



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

شگفتی‌ها و عجایب دنیا

در بعد از ظهور

امام زمان علیه السلام

حسین طبرسی توری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شگفتی ها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه السلام

نویسنده:

حسین طبرسی نوری

ناشر چاپی:

شمیم گل نرگس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	شگفتی ها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه السلام
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه مؤلف
۹	امتیاز نور و سایه و شیخ امام زمان (ع)
۱۰	شرافت نَسَب امام زمان (ع)
۱۰	بردن امام زمان (ع) در روز ولادت به سراپرده عرش
۱۰	دارابودن خانه ای به نام بیت الحمد
۱۰	جمع میان کنیه رسول خدا (ع) و اسم مبارک آن حضرت
۱۰	حرمت بردن نام امام زمان (ع)
۱۰	آخرین وصایت حجت در روی زمین
۱۱	سپرده شدن به روح القدس
۱۱	معاشرت و همنشینی نکردن با کفار و منافقین و اهل فسق
۱۱	نبودن بیعت احدی از ستمگران بر گردنش
۱۱	داشتن علامتی مانند علامت ختم نبوت حضرت رسول (ع)
۱۲	القاب متعدّد حضرت مهدی (ع)
۱۲	ظهور نشانه های عجیب و غریب آسمانی و زمینی
۱۲	ندای آسمانی با اسم حضرت حجت (ع) همزمان با ظهور
۱۳	کند شدن و از سرعت افتادن حرکت سریع افلاک
۱۴	آشکار شدن کتاب امیرالمؤمنین (ع)
۱۵	سایه انداختن ابری سفید بر سر مبارک امام زمان (ع)
۱۵	قرار داشتن ملائکه و اجته در لشکر حضرت مهدی (ع)
۱۶	جوان ظاهر شدن امام زمان (ع)

- از بین رفتن وحشی گری و نفرت از میان حیوانات ..... ۱۷
- حاضر بودن جمعی از مردگان در رکاب امام زمان (ع) ..... ۱۸
- خارج شدن گنجها و ذخیره های زمین ..... ۱۹
- زیاد شدن باران و درختان میوه و سایر نعمتهای زمین ..... ۱۹
- کامل شدن عقل مردم و به آخرین حدّ خود رسیدن علوم ..... ۲۱
- قوّت دیدگان و گوشه‌های امام زمان (ع) و اصحاب آن حضرت ..... ۲۲
- طول عمر اصحاب و انصار امام زمان (ع) ..... ۲۲
- رفتن سختی ها و بلاها از بدنهای یاران امام زمان (ع) ..... ۲۳
- دادن نیروی چهل مرد به هر یک از یاران امام زمان (ع) ..... ۲۳
- غنی شدن خلق به نور حضرت مهدی(ع) ..... ۲۴
- همراه بودن پرچم رسول خدا (ع) با امام زمان (ع) ..... ۲۴
- زره رسول خدا (ع) فقط اندازه قدّ شریف ..... ۲۵
- ابر مخصوص حضرت قائم (ع) که در آن رعد و برق است ..... ۲۶
- برداشته شدن تقیّه و ترس از کفّار و مشرکان و منافقان ..... ۲۶
- منتشر شدن سلطنت حضرت مهدی (ع) در تمام روی زمین ..... ۲۷
- پرشدن تمام زمین از عدل و داد ..... ۲۸
- حکم کردن در میان مردم بوسیله علم امامت ..... ۲۹
- آوردن احکام ویژه ای که تا زمان حضرت قائم (ع) ظاهر و اجراء نشده است ..... ۳۰
- پیدا شدن تمام مراتب علوم ..... ۳۰
- آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب امام زمان (ع) ..... ۳۱
- اطاعت حیوانات از یاران حضرت قائم (ع) ..... ۳۱
- جاری شدن نهری از آب و نهری از شیر از پشت شهر کوفه ..... ۳۱
- امتیاز دادن خداوند متعال به حضرت قائم (ع) در شب معراج ..... ۳۲
- فرود آمدن حضرت عیسی از آسمان برای یاری امام زمان (ع) ..... ۳۲

- جایز نبودن هفت تکبیر بر جنازه احدی بعد از حضرت علی (ع) جز بر جنازه حضرت قائم (ع) ..... ۳۳
- قتل دجال ملعون که از عذابهای الهی است ..... ۳۴
- پایان یافتن سلطنت ستمگران و ظالمان ..... ۳۴
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۳۷

## شگفتی ها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه السلام

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: شگفتی‌ها و عجایب دنیا در بعد از ظهور امام زمان علیه‌السلام (به‌همراه اوصاف و ویژگی‌های خاص آن حضرت / حسین طبرسی نوری .

مشخصات نشر: قم شمیم گل نرگس ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۱۰۹ ص.م.س ۱۴×۲۱؛

شابک: ۱۱۰۰۰ ریال ۹۶۴-۹۴۰۷۳-۹-۵:

یادداشت: کتابنامه به‌صورت زیرنویس

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -

موضوع: مهدویت

موضوع: آخر الزمان

شناسه افزوده: موسسه مجموعه کلیدهای اسرار واحد تحقیقاتی گل نرگس (عج)

رده بندی کنگره: BP۲۲۴/۴/ش ۱۳۸۵ ۷۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۵۳۴۴۲

### مقدمه مؤلف

این (کتاب) در بیان ویژگی‌های حضرت مهدی (ع) و مقایسه آن با تمام انبیاء و اوصیاء - صلوات الله علیهم - و سلسله بلند مرتبه، غیر از بعضی از اجداد پاک و مطهر خود (ع) می باشد.

اگر چه شرح آن از قوه بیان خارج است ولی حضرت مهدی (ع) کسی است که خداوند متعال، مژده ظهور ایشان را به تمام انبیاء خود، از حضرت آدم (ع) تا حضرت خاتم (ع) داده است.

خلاصه آنکه خداوند متعال چنین شخصی بزرگواری را در خزانه قدرت خود محفوظ داشته تا در پایان روزگار (آخرالزمان)، زمانی که همه انبیاء و اولیاء الهی از رسالت خویش فارغ می شوند و کفر و حکومت شیطان، همه جا را فرا می گیرد، ایشان را ظاهر سازد و اسباب سلطنت و ریاست را برای ایشان مهیا فرموده که تمام جهان را مسخر کند و همه جهانیان را هدایت نماید و در هیچ سرزمینی، جایی نمی ماند، مگر آنکه صدای «لا اله الا الله» در آنجا بلند شود و همه به یگانگی خداوند ایمان آورند تا اینکه خداوند تمامی حجت‌های خود را در آنجا ظاهر سازد.

البته چنین ریاست بزرگی نیازمند وسایل و امکاناتی است و استعداد و قابلیت می خواهد که عظمت و بزرگیشان، به اندازه این کار بزرگ و خدمت برجسته باشد، زیرا که این ریاست به شخص بزرگواری چون حضرت مهدی (ع) واگذار شده و به ایشان اختصاص دارد.

پس تمام مقدمات آن باید در حدّ و مرتبه بالایی باشد، چرا که کم و کیف و قدر و منزلت آن را هیچکس جز خداوند باعظمت نمی داند و آنرا درک نمی کند، همچنانکه در دعای ندبه آمده است: «بنفسی انت من عقید عزّ لایسامی»

(- یعنی: به جانم قسم که تو دارای عزّتی هستی که برتری و همطرازی نداری.)



خداوند بگونه ای، بزرگی و عظمت ایشان را مقرر کرده است که هیچ اندیشه و تفکری نمی تواند به نهایت بزرگی و جایگاه عظیم آن، راه پیدا کند.

نعمانی در کتاب «غیبت»، از کعب الأخبار روایت کرده است که: «خدای تعالی، هر آنچه را که به پیامبران داده، به ایشان زیادت می دهد و وی را نسبت به دیگران برتری می دهد.»

حسین طبرسی نوری

### امتیاز نور و سایه و شبخ امام زمان (ع)

امتیاز نور و سایه و شبخ امام زمان (ع) در کتاب «غیبت» از شیخ جلیل فضل بن شاذان به دو سند آمده است که عبدالله بن عباس گفت:

رسول خدا (ع) فرمودند: «وقتی به معراج رفتیم و آسمانها را سیر کردم به سدره المنتهی رسیدم، از جانب خداوند ندا آمد که: «ای محمد!»

گفتم: «لیبیک؛ لیبیک ای پروردگار من!»

خداوند عالم فرمود: «ما هیچ پیغمبری را بر اهل دنیا نفرستادیم تا روزهای زندگی و نعمت او پایان یابد مگر آنکه دعوت خود را به انجام برساند و برای هدایت مردم پس از خود وصی و جانشینی را قرار دهد تا از دین او نگهداری کند و ما حضرت علی (ع) را جانشین تو و امام امت تو قرار داده و پس از او حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجه بن الحسن (ع) قرار دادیم؛ حال ای محمد! سرت را بالا کن.»

چون سرم را بالا کردم، نورهای علی و حسن و حسین و نه تن از فرزندان حسین را دیدم و حجت (حضرت مهدی (ع)) را در میان آنها دیدم که همچون ستاره ای می درخشید.

خدای تعالی فرمود: «این ها، جانشین و حجت‌های من در روی زمین و نیز جانشین و اوصیای بعد از تو هستند. خوشا به حال کسی که با آنها دوستی کند و وای بر کسی که با آنها دشمنی نماید.»

شیخ جلیل، ابوالحسین بن محمد بن احمد بن شاذان در کتاب «ایضاح دفاين التواصب» و احمد بن محمد بن عیاش در کتاب «مقتضب الاثر» از ابی سلیمان که چوپان پیامبر اکرم (ع) بود روایت کردند که رسول خدا (ع) فرمود: «شبی که مرا بسوی آسمان بردند، خداوند جل جلاله فرمود: «من، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و اولاد او را از اصل نوری از نور خودم آفریدم. ای محمد! آیا دوست داری که ایشان را ببینی؟»

گفتم: «بلی! ای پروردگار من»

خداوند فرمود: «به سمت راست عرش، نگاه کن.»

چون نگاه کردم، علی و فاطمه و بقیه تا حسن بن علی را دیدم که در میان مکانی از نور ایستاده بودند و نماز می خواندند و در میان آنها حضرت مهدی (ع) مانند کوکب درخشنده ای در حال درخشیدن بود.»

پوشیده نماند که اختلاف مضمون روایاتی که در مورد معراج است بخاطر اختلاف مضمون خبر نیست بلکه به سبب متعدد بودن روایت کنندگان است، بعضی از اخبار حفظ و بعضی فراموش شده اند و بعضی دیگر هم از بین رفته اند و این مضامین حمل بر تعداد معراج رفتن پیامبر (ع) نیز هست که در همه آنها به امر ولایت تأکید شده است چنان که در کتاب «خصال» نوشته صدوق روایت شده که پیامبر اکرم (ع) را ۱۲۰ مرتبه به معراج بردند و در همه مراتب هم خدای تعالی، پیامبر (ع) را به دوستی و ولایت

علی بن ابیطالب (ع) سفارش می کرد و حتی زیادتراً از دیگر فرایض سفارش می فرمود. در کتاب «مقتضب» روایت دیگری از حضرت باقر (ع) در ذکر ائمه (ع) در شب معراج و دیدن انوار ایشان روایت شده است که رسول خدا (ع) فرمود: «علی و دیگر ائمه تا حسن بن علی (ع) را دیدم و حضرت حجّه (ع) در میان آنها چون ستاره ای درخشان بود. گفتم: «ای پروردگار من! اینها کیستند؟» فرمود: «اینها ائمه اند و این قائم است که در دنیا حلال مرا حلال می کند و حرام مرا حرام و از دشمنان من انتقام می گیرد. ای محمد! او را دوست بدار و دوستدار کسی باش که او را دوست دارد.»

### شرافت نسب امام زمان (ع)

شرافت نسب امام زمان (ع) بحث دوم: شریف بودن نسب امام زمان (ع) است. زیرا حضرت مهدی (ع) شرافت نسب همه آباء طاهرین خود را دارا است و نسبش از طرف مادر به قیصر روم و به جانب شمعون صفاء، جانشین حضرت عیسی (ع) می رسد. پس در این سلسله بسیاری از انبیاء و اوصیاء داخل می شوند که نسب همه آنها به شمعون می رسد

### بردن امام زمان (ع) در روز ولادت به سراپرده عرش

بردن امام زمان (ع) در روز ولادت به سراپرده عرش بحث سوم: بردن آن حضرت در روز ولادت به سراپرده عرش است و خطاب خداوند تبارک و تعالی به او که: «آفرین به تو ای بنده من! که برای نصرت دین من و اظهار امر من و هدایت بندگان من آمده ای. قسم خوردم که بوسیله تو بگیرم و بوسیله تو عطا کنم و توسط تو بیامرزم و توسط تو عذاب کنم.»

### دارابودن خانه ای به نام بیت الحمد

دارابودن خانه ای به نام بیت الحمد چهارم: بیت الحمد، چنانچه نعمان و مسعودی و دیگران از حضرت باقر (ع) روایت کرده اند که فرمود: «از برای حضرت حجّه (ع)، خانه ای می باشد که به آن بیت الحمد می گویند. در آن چراغی هست که از روزی که متولد شده روشن است تا روزی که خروج کند و با شمشیر هم خاموش نمی شود.»

### جمع میان کنیه رسول خدا (ع) و اسم مبارک آن حضرت

جمع میان کنیه رسول خدا (ع) و اسم مبارک آن حضرت پنجم: جمع میان کنیه رسول خدا (ع) و اسم مبارک آن حضرت است، و در «مناقب» روایت است که حضرت مهدی (ع) فرمود: «اسم مرا بگذارید و کنیه مرا نگذارید.»

### حرمت بردن نام امام زمان (ع)

حرمت بردن نام امام زمان (ع) ششم: حرمت نهادن به نام آن حضرت، چنانچه گذشت. ( - این بحث در کتاب «نجم الثاقب»، ذکر شده است. )

### آخرین وصایت حجّت در روی زمین

آخرین وصایت حجت در روی زمین

هفتم: در روی زمین، وصایت به حضرت مهدی (ع) ختم می گردد.

### سپرده شدن به روح القدس

سپرده شدن به روح القدس هشتم: غیبت حضرت مهدی (ع) از همان روز ولادت و سپرده شدن به روح قدسی و تربیت شدن آن حضرت در عالم نور و فضای قدسی که هیچ جزئی از اجزای آن به پلیدی ها و کثافات و گناههای بنی آدم و شیاطین آلوده نشده و همنشینی و مؤانست آن حضرت با ارواح قدسی و فرشتگان در گاه خداوند می باشد

### معاشرت و همنشینی نکردن با کفار و منافقین و اهل فسق

معاشرت و همنشینی نکردن با کفار و منافقین و اهل فسق نهم: معاشرت و مصاحبت نداشتن با کفار و منافقین و اهل فسق، و خوف نداشتن و تقیه و مدارا نکردن با آنها و دوری کردن از آنها و هم منزل نشدن با آنها است. همه حجتهای خداوند پیش از بعثت و بعد از آن، در ایام عزلت و غیبت خود با کفار و منافقین و اهل فسق دوستی و یا دشمنی می کردند و حتی با یکدیگر ازدواج می کردند و در ماه رمضان افطار می کردند و امثال این مصیبت ها را دیدند ولی خداوند متعال این حجت گرامی خود را از همه آنها نگاه داشت بطوری که از روز ولادت تا کنون دست ظالمی به او نرسیده و با هیچ کافر و منافقی، مصاحبت و همنشینی نکرده است. خود را از منازل آنها دور ساخته و بخاطر خوف یا مدارا، از حقی دست نکشیده است و از طرفی همدم و انیسی مثل خضر داشته و خدمتگزارانش افراد خاص بوده اند.

خلاصه اینکه کوچکترین غباری از کردار و رفتار ناشایست نامردان بر گردنش ننشسته و هیچ خاری از خارستان بیگانگان به دامانش نرسیده است. «ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء».

(- مائده ۵۴ یعنی: این فضل خداوند است که به هر کس که بخواهد می دهد.)

### نبودن بیعت احدی از ستمگران بر گردنش

نبودن بیعت احدی از ستمگران بر گردنش دهم: بیعت هیچ ستمگری بر گردن او نیست. چنانکه در کتاب «اعلام الوری» از حضرت امام حسن (ع) روایت شده که فرمود: «احدی از ما نیست مگر آنکه بیعتی از سرکشان زمان او بر گردنش باشد، مگر قائمی که روح الله، عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند».

در کتاب «کمال الدین» از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «حضرت مهدی (ع) بعد از ولادتش در غیبت فرو می رود تا اینکه بیعتی بر گردن او نباشد و زمانی که قیام می کند، خداوند عزوجل در یک شب، تمام کارهای او را اصلاح می کند» و نیز حسن بن فضال از حضرت رضا (ع) روایت کرده است که فرمود: «گویا شیعه را می بینم که در وقت مفقود شدن چهارمین فرزند من، او را جستجو می کند اما او را نمی یابند» گفتم: «چرا ای فرزند رسول خدا؟» فرمود: بخاطر اینکه امام آنها از آنها غایب می شود».

گفتم: «چرا غایب می شود؟» فرمود: «برای اینکه بیعتی بر گردن او نباشد تا زمانی که با شمشیر قیام کند».

### داشتن علامتی مانند علامت ختم نبوت حضرت رسول (ع)

داشتن علامتی مانند علامت ختم نبوت حضرت رسول (ع) یازدهم: داشتن علامتی در پشت کمر ایشان است مثل علامتی که بر پشت مبارک رسول خدا (ع) بود که به آن ختم نبوت می گفتند.

### القاب متعدّد حضرت مهدی (ع)

القاب متعدّد حضرت مهدی (ع) دوازدهم: القاب متعدّدی به حضرت مهدی (ع) اختصاص داده شده که در کتب آسمانی و روایات معراج، از سایر اوصیاء (ع) ذکر شده است

### ظهور نشانه های عجیب و غریب آسمانی و زمینی

ظهور نشانه های عجیب و غریب آسمانی و زمینی سیزدهم: ظهور نشانه های آسمانی و زمینی برای ظهور شادمانه حضرت مهدی (ع) می باشد که این آیات و نشانه ها برای تولّد و ظهور هیچ حجّتی منظور نشده است. در کتاب «کافی» از حضرت صادق (ع) روایت شده که این آیه را فرمودند: «سنریهم آیاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتّی یتبین لهم انه الحقّ».

( - سوره فصلت آیه ۵۳ «یعنی: بزودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حقّ است.» )

و در تفسیر آن به آیات و نشانه های قبل از ظهور آن حضرت و قیام ایشان اشاره شده است.

و فرمود که: «آن مسئله، از نزد خداوند عزّوجلّ حقّ است که خلق آن را می بینند و حتّماً آن جناب خروج خواهد کرد.»

و آن آیات و نشانه ها بسیار است و ذکر کرده اند که نزدیک به چهار صد نشانه می رسد و در کتاب «غیبت» بعضی از آنها ثبت شده است.

یکی از این نشانه ها، سُرخِی آسمان است که در بسیاری از روایات نیز آمده است و به روایت نعمانی از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که: «آن سرخی، اشک چشم حاملان عرش بر اهل زمین است.»

### ندای آسمانی با اسم حضرت حجّت (ع) همزمان با ظهور

ندای آسمانی با اسم حضرت حجّت (ع) همزمان با ظهور

چهاردهم: نزدیک ظهور آن حضرت ندای آسمانی به اسم آن جناب به گوش می رسد، چنانکه علی بن ابراهیم در تفسیر آیه شریفه «واستمع یوم یناد المناد من مکان قریب»، از حضرت صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «منادی به اسم ( - سوره ق آیه ۴۱ «یعنی: گوش فرا دار روزی که منادی از مکانی نزدیک، ندا کند.» )

قائم و اسم پدرش ندا می کند.»

و در قرآن نیز آمده که: «یوم یسمعون الصّیحه بالحقّ ذلک یوم الخروج»، فرمود: «فریاد قائم (ع) است.»

( - سوره ق آیه ۴۲ «یعنی: روزی که می شنوند فریاد را به راستی که این روز، روز خروج است.» )

در کتاب «کمال الدّین» از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «منادی از آسمان ندا می کند که فلان بن فلان امام است؛ و نام او را می برد.»

و نیز در آنجا «زراره» از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: «منادی به اسم قائم (ع) ندا می کند.» گفت: «پرسیدم آیا این ندا برای افراد خاصی است یا برای عموم مردم است؟»

فرمود: «برای عموم مردم است و هر قومی به زبان خودش می شنود.»

در کتاب «غیبت» نعمانی از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: «منادی از آسمان ندا می کند که: ای گروه مردم! امیر شما فلان است و آن مهدی است که زمین را آنگاه که از ظلم و ستم پر شده، از عدل و داد پر می کند.»

در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) روایت شده که در حدیثی طولانی به جابر فرمود: «اگر این نشانه ها بر شما مشتبه شد، صدایی که از آسمان به اسم او و به امر او می آید بر شما مشتبه نخواهد شد.»

در کتاب «غیبت» نعمانی از آن حضرت روایت است که می فرمود: «منادی از آسمان به اسم قائم (ع) ندا می کند و کسی که در مشرق و مغرب است می شنود و از ترس این صدا، خوابیده ای نمی ماند مگر اینکه بیدار می شود و ایستاده ای نمی ماند، مگر اینکه می نشیند و نشسته ای نمی ماند، مگر اینکه می ایستد.»

و فرمود که: «آن صدا از جبرئیل است و این واقعه در شب جمعه، بیست و سوم ماه رمضان رخ می دهد.»

اخبار بسیار زیادی در این زمینه وجود دارد بطوری که این روایات از حدّ تواتر هم گذشته و همه آنها این موضوع را از واجبات و امری لازم دانسته اند.

شیخ طوسی در کتاب «غیبت» خود از سیف بن عمیره روایت کرده است که گفت: نزد منصور بودم، شنیدم که می گفت: «ای سیف بن عمیره! چاره ای نیست از منادی که به اسم مردی از فرزندان ایطالب، از آسمان ندا کند.»

گفتم: «یکی از مردم نیز این را روایت کرده است.»

گفت: «قسم به آن که جانم در قبضه قدرت اوست، گوشم شنید که می گفت: «منادی به اسم مردی از آسمان ندا می دهد.»

گفتم: «یا امیرالمؤمنین! هرگز حدیثی مانند این نشنیدم.»

گفت: «ای شیخ! اگر چنین باشد ما اول کسی هستیم که دعوت او را اجابت می کنیم و آگاه باش که او یکی از پسرعموهای ماست.»

گفتم: «کدام پسر عموی شما؟»

گفت: «مردی از فرزندان فاطمه (س).»

آنگاه گفت: «ای شیخ! اگر این خبر را از ابی جعفر، محمد بن علی نشنیده بودم، اگر همه دنیا هم به من می گفتند قبول نمی کردم، ولی کسی که خبر را از او شنیدم محمد بن علی است.»

### کند شدن و از سرعت افتادن حرکت سریع افلاک

کند شدن و از سرعت افتادن حرکت سریع افلاک پانزدهم: کند شدن و از سرعت افتادن حرکت سریع افلاک است. چنانکه شیخ مفید، از ابی بصیر و از از حضرت باقر (ع) روایت کرده است که حضرت در حدیثی طولانی در سیر و سلوک حضرت مهدی (ع) فرمودند: «حضرت قائم (ع) بر این سلطنت هفت سال درنگ می کند و مقدار هر سال از این هفت سال به اندازه ده سال شماست، آنگاه خداوند آنچه را که می خواهد، انجام می دهد.»

گفتم: «فدای تو شوم! چگونه هر سال این همه مدت پیدا می کند؟»

حضرت فرمود: «خداوند فلک را به درنگ کردن امر می فرماید و به همین خاطر روزها و سالها طول می کشد.»

گفتم: «ایشان می گویند اگر فلک تغییر پیدا کند، عالم نابود می شود.»

حضرت فرمود: «این سخن زنادقه است، اما برای مسلمانان در این سخن، شک و شبهه ای نیست، زیرا که خداوند ماه را برای پیامبر خود دو نیم کرد، و قبل از آن آفتاب را برای یوشع بن نون برگرداند و به طول روز قیامت و اینکه آن روز مثل هزار سال است، از

آن چه شما می شمارید خبر داد.»

و نیز روایت کرده که: «مدّت حکومت آن حضرت نوزده سال است که روزها و ماههای آن طولانی است.»

و نیز عبدالکریم خثعمی از امام صادق (ع) همانند خبر قبلی روایت کرده است.

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» خود از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «حضرت قائم (ع) هفت سال حکومت می کند

که مطابق هفتاد سال از سالهای شما می شود.»

و شیخ طوسی در کتاب «غیبت» در روایتی طولانی آورده است که: «خداوند در زمان آن حضرت به فلک امر می فرماید که گردش

او کند شود تا اینکه در ایام حکومت او هر روز، ده روز؛ و هر ماه، ده ماه؛ و هر سال، ده سال می شود.»

در بعضی از خبرها نیز آمده است که مدّت حکومت حضرت مهدی (ع) بیشتر از این است.

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» از حضرت باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: «حضرت قائم (ع)، سیصد و نه سال پادشاهی

خواهد کرد، همانطور که اصحاب کهف در غار درنگ کردند، آن حضرت زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، آنگاه که پر از

ظلم و جور شده باشد.»

### آشکار شدن کتاب امیرالمؤمنین (ع)

آشکار شدن کتاب امیرالمؤمنین (ع) شانزدهم: آشکار شدن کتاب امیرالمؤمنین (ع) است که علی (ع) بعد از وفات رسول خدا (ع)

آن را جمع نمود، بدون آنکه تغییری در آن داده شود و تمام آنچه را که بصورت معجزه بر آن حضرت نازل شده، دارا می باشد که

پس از گردآوری بر اصحاب عرضه نمود، چون صحابه روی گرداندند، آن را مخفی کردند و به حال خود باقی است تا اینکه

حضرت مهدی (ع) ظهور کند و آن را بیاورد تا مردم آن را بخوانند و حفظ کنند و از این جهت که از نظر ترتیب با مصحف کنونی

تفاوت دارد، حفظ آن از تکالیف دشوار مکلّفان خواهد بود.

در کتاب «غیبت» نعمانی روایت شده که فرمود: «حضرت قائم (ع) با امری جدید و قضایی جدید و کتابی جدید، خروج می کند.»

و نیز از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که فرمود: «شیعیان خود را می بینم که در مسجد کوفه خیمه ها برپا کردند و قرآن را به نحوی

که نازل شده به مردم آموزش می دهند»

و نیز «اصبغ بن نباته» از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده که فرمود: «گویا عجم را می بینم که خیمه های ایشان در مسجد کوفه است،

قرآن را چنانکه نازل شده به مردم آموزش می دهند.»

نیز از امام صادق (ع) روایت است که فرمود: «والله! گویا بسوی آن حضرت نظر می کنم (یعنی حضرت قائم) و می بینم که از مردم

بر کتابی جدید بیعت می گیرد.»

شیخ طبرسی در کتاب «احتجاج» از ابوذر غفاری روایت کرده که: وقتی رسول خدا (ع) وفات کرد، علی (ع) قرآن را جمع آوری

کرد و آن را نزد مهاجرین و انصار آورد و آن قرآن را بر آنها عرضه داشت، بخاطر اینکه پیامبر (ع) به او این ( - تذکر این نکته

ضروری است که بنا بر نظر اکثر علماء، در قرآن هیچ تحریفی صورت نگرفته است و قرآن مورد نظر در اینجا، تفاسیر واقعی قرآن

بوده است که پیامبر اکرم ۶ آنها را به حضرت علی (ع) تعلیم فرمود. )

چنین وصیت کرده بود.

وقتی ابوبکر آن را باز کرد، صفحه اول آن که در مورد فضایح قوم بود آمد، پس عمر بلند شد و به حضرت علی (ع) گفت: «یا

علی! آن را ببر که ما به آن نیازی نداریم.»

پس حضرت آن را گرفت و برگشت. تا اینکه می گوید:

وقتی عمر خلیفه شد از آن حضرت خواست که آن قرآن را به او بدهد تا آن را تحریف کنند. پس گفت: «ای ابالحسن! آن قرآن را نزد ابی بکر بیاور تا کنار آن جمع شویم.»

حضرت علی (ع) فرمود: «هرگز آن را نخواهم آورد، من آن را نزد ابی بکر نیاوردم مگر برای آنکه حجت بر شما تمام شود و در روز قیامت نگویید که ما از آن اطلاعی نداشتیم یا بگویید که آن را نزد ما نیاوردی. کسی به قرآنی که در نزد من است دست نمی زند مگر پاکیزگان و اوصیاء از فرزندان من.»

عمر گفت: «آیا وقت معلومی برای اظهار آن هست؟»

فرمود: «آری! هر گاه قائم که یکی از فرزندان من است قیام کند، آن را می آورد و در میان مردم جاری می سازد که پس از آن، سنت بر مبنای آن اجراء می شود.»

از روایت مفصل مرویست که سید حسنی خدمت حضرت حجت (ع) عرض می کند که: «اگر شما مهدی آل محمد (ع) هستید، پس آن کتابی که جد تو امیرالمؤمنین (ع) بدون هیچ تغییر و تبدیلی جمع کرد، کجاست؟»

در کتاب «ارشاد» شیخ مفید از حضرت باقر (ع) روایت شده که فرمود: «هر گاه قائم آل محمد (ع) قیام کند، خیمه هایی را برپا می کند تا قرآن را به همان نحوی که نازل شده به مردم تعلیم دهد، پس برای آنان که امروز آن را حفظ نموده اند مشکل ترین کار خواهد بود. زیرا آن قرآن با این قرآن در ترتیب، تفاوت دارد.»

(- تفاوت داشتن در ترتیب، تحریف محسوب نمی شود.)

و در کتاب «غیبت» فضل بن شاذان همین خبر را به یک سند صحیح از حضرت صادق (ع) روایت کرده است.

### سایه انداختن ابری سفید بر سر مبارک امام زمان (ع)

سایه انداختن ابری سفید بر سر مبارک امام زمان (ع) هفدهم: ابر سفیدی پیوسته بر سر مبارک حضرت مهدی (ع) سایه می اندازد و منادی در آن ابر بطوری ندا می دهد که آن ندا را انس و جنّ و پری و اهل مشرق و اهل مغرب می شنوند.

در روایت لوح، شیخ طوسی روایت کرده است که: «او مهدی آل محمد (ع) است که زمین را هنگامی که از ستم پر شده از عدل و داد پر می کند.»

خزاز در کتاب «کفایه» و کنجی شافعی در «بیان» و مهدی ابو نعیم حافظ و یوسف بن یحیی سلمی در «مناقب» و نیز احمد بن المنادی در کتاب «ملاحم» و ابن شیرویه در کتاب «فردوس» و ابوالعلاء حافظ در کتاب «فتن»، خبر ابر و منادی را به این الفاظ روایت کرده اند که: «این مهدی، خلیفه الله است» و به روایتی «او را همراهی کنید» آمده است

### قرار داشتن ملائکه و اجنه در لشکر حضرت مهدی (ع)

قرار داشتن ملائکه و اجنه در لشکر حضرت مهدی (ع) هجدهم: ملائکه و جنّ در لشکر حضرت مهدی (ع) قرار دارند و آنها به چشم یاران حضرت نیز می آیند، چنانکه در روایت طولانی مفصل آمده که به امام صادق (ع) گفت: «ای سید من! آیا ملائکه و جنّ برای مردم ظاهر می شوند؟»

حضرت فرمودند: «آری، به خدا قسم ای مفضل! و چنان با مردم گفتگو می کنند که مردم با خودشان گفتگو می کنند.»

گفتم: «ای سید من! آیا با او سیر می کنند؟»

فرمود: «آری، به خدا قسم ای مفضل! هر آینه آنها در زمینی مابین کوفه و نجف بنام هجرت، فرود می آیند و تعداد افراد آن حضرت در آن وقت چهل و شش هزار ملائکه و شش هزار جنّ است.»

در روایت دیگر آمده است که: «اجنه ایشان را یاری می دهد و به یاری خدا همه جا را فتح می کنند».

در کتاب «کامل الزیارة» و «غیبت» نعمانی از امام صادق (ع) در ضمن حالات آن حضرت روایت شده است که فرمود: «سیزده هزار و سیصد و سیزده ملک نزد حضرت مهدی (ع) می آیند».

ابوبصیر گفت: «گفتم تمام این ملائکه می آیند؟!»

گفت: «آری! آن ملائکه ای که با نوح در کشتی بودند و آنهایی که با حضرت ابراهیم بودند، آن زمانی که او را به آتش انداختند و آن ملائکه ای که با موسی بودند، زمانی که دریا شکاف خورد و آنهایی که با حضرت عیسی بودند، زمانی که خداوند او را به آسمان برد و چهار هزار ملائکه که نشانه های خاص خود و عمامه های زرد دارند که اینها با پیامبر (ع) بودند. و هزار ملائکه که منظم می آیند و سیصد و سیزده ملک که در بدر بودند و چهار هزار ملک که نازل شدند و می خواستند حسین بن علی (ع) را یاری کنند پس به آنها اجازه نداد و آنها نزد قبر آن حضرت، ژولیده و غبار آلوده هستند و در کنار قبر آن حضرت نشسته اند و تا روز قیامت گریه می کنند، و رئیس آنها ملکی به نام منصور است، پس هیچ زائری امام حسین (ع) را زیارت نمی کند مگر آنکه آن فرشته ها از او استقبال می کنند و وداع کننده ای او را وداع نمی کند مگر آنکه آنها او را همراهی می کنند و هر کس مریض می شود او را عیادت می کنند و هر کس از آنها بمیرد بر جنازه او نماز می خوانند و بعد از مردنش بر او استغفار می کند و همه اینها در زمین هستند و منتظر ظهور حضرت قائم (ع) هستند».

### جوان ظاهر شدن امام زمان (ع)

جوان ظاهر شدن امام زمان (ع) نوزدهم: طول روزگار و گردش روز و شب و سیر فلک در بنیه و مزاج و اعضاء و قوا و صورت و شکل آن حضرت، با اینکه طول عمر ایشان بیش از هزار سال می باشد، تأثیر نگذاشته است و خدا می داند که تا وقت ظهور، ایشان چند سال دارند.

وقتی حضرت حجّت (ع) ظاهر شود، در صورت مانند مرد سی ساله یا چهل ساله است و مسن تر از انبیای گذشته می باشد.

شیخ صدوق از ابوالصلت هروی روایت کرده است که: گفت: از حضرت رضا (ع) پرسیدم: «علامت قائم شما هنگامی که خروج می کند چیست؟»

فرمود: «علامتش آن است که در سنّ، پیر است ولی در صورت جوان می باشد بطوری که کسی که به او نظر می کند، گمان می کند که در سنّ چهل سالگی یا کمتر از چهل سال است، و نشانه دیگر آن حضرت این است که با گذشت شب و روز پیری به آن حضرت راه نمی یابد تا زمانی که اجل آن حضرت فرا رسد».

در کتاب «غیبت» شیخ طوسی از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «آن جناب بصورت یک جوان سی ساله موفق ظاهر می شود».

و نیز از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «اگر حضرت قائم (ع) خروج کند، مردم او را انکار خواهند کرد، در حالتی که حضرت یک جوان موفق است».

و نیز از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «بزرگترین بلا آن است که حضرت مهدی (ع) از غیبت خارج می شود و بسوی مردم می آید در حالی که جوان است، ولی مردم او را فردی سالخورده، گمان می کنند».

مراد از «موفق» همانطور که علامه مجلسی احتمال داده آن است که: اعضایش متناسب یکدیگر و خلقتش معتدل است یا اینکه کنایه در متوسط بودن جوانی و یا .... است».

«شهرستانی» حیوان سیرت، در «ملل و نحل» بعد از ذکر فرقه های امامیه، بعد از امام حسن عسکری (ع) که این مطلب را از رساله



«فرق نوبختی» برداشته و جمله ای را از کلمات نافع او دزدیده می گوید: «از عجایب این است که می گویند غیبت حضرت طولانی شده است و در حدود ۲۵۰ سال است و امام ما فرموده که: اگر کسی به نام حضرت حجت (ع) قیام کند در حالی که از سنّ چهل سالگی گذشته باشد پس او امام و صاحب شما نیست؛ و ما ندانستیم که چگونه یک فرد ۲۵۰ ساله، ۴۰ ساله می شود» تا آخر. و منظور و نتیجه این خبر این است که: «آن حضرت یا چهل سال دارد و یا اینکه از چهل سال کمتر است و اگر زیادتر باشد حضرت مهدی (ع) نیست.»

و نتیجه شک و تردید این غافل آن است که: شما می گوید که او تقریباً ۲۵۰ سال است که غایب شده است، حال اگر او ظهور کند چگونه می تواند چهل ساله باشد؟

جواب: منظور این است که در ظاهر صورت و هیأت و بنیه و مزاج، مرد چهل ساله است، هر چند عمر او هزار سال باشد و خداوند متعال قادر است که هر کسی را در هر سنّی به این صورتی که ذکر شد، نگه دارد.

فریقین (شیعه و سنّی) نقل کرده اند که: «از معجزات پیامبر (ع) این بود که بر هر حیوانی که سوار می شدند، آن حیوان در همان سنّی که بود باقی می ماند.»

ابن اثیر در کتاب «اسدالغابه» روایت کرده که: عمرو بن حمق خزاعی، آن حضرت را سیراب نمود و آن حضرت هم در مورد جوانی اش، در حقّ او دعا کرد و فرمود: «اللّهمّ متّعه بشبابه.» (یعنی: خدایا! به جوانی اش به او بهره عطا فرما.)

پس هشتاد سال بر او گذشت ولی در ریش او موی سفیدی دیده نشد. بلکه بسا باشد که از حالت پیری به جوانی برگردانند و خداوند متعال همه پیران بهشتی را جوان کند و به بهشت ببرد.

حال آیا به اعتقاد شهرستانی، (نعوذ باللّه) در آخرت قدرت جدیدی برای حقّ تعالی پیدا شود یا اینکه شهرستانی برای آخرت، یک خدای دیگر قائل است که می تواند چنین کاری بکند و عجیب اینجاست که او حضرت خضر (ع) را زنده می داند، در صورتی که او چند هزار سال از حضرت مهدی (ع) بزرگتر است و می گویند در صحرا و خشکی ها، سیر و سفر می کند، و اگر زندگی آن حضرت طبق معمول باشد باید مثنی پوست و استخوان از ایشان باقی باشد و در گوشه ای افتاده باشد، و ایشان را در ظاهر و صورت، دارای هر سنّی که بدانیم جای همان اعتراض هست.

خدای تعالی به این گروه از مردم یا انصاف دهد یا درک و شعور عطا فرماید که هیچ کدام از اینها را ندارند.

میبی در شرح دیوان گفته است که: «حقّ تعالی، دندان و ارکان حضرت خضر (ع) را پیش از ظهور حضرت محمد (ع)، هر پانصد سال یک بار تجدید می کرد و بعد از ظهور حضرت مهدی (ع) هر صد و بیست سال یکبار تجدید می کند.»

در «احتجاج» طبرسی از امام حسن (ع) روایت شده است که در حالات حضرت مهدی (ع) فرمود: «خدا عمر آن حضرت را طولانی می کند و بعد به قدرت خود او را بصورت جوانی ظاهر می کند که دارای سنّ چهل سالگی باشد و این برای آن است که بدانند که خداوند بر همه چیز قادر است.»

### از بین رفتن وحشی گری و نفرت از میان حیوانات

از بین رفتن وحشی گری و نفرت از میان حیوانات بیستم: خوی وحشی گری و نفرت و همچنین دشمنی از میان حیوانات حتّی میان آنها و انسانها از بین می رود، همانطور که پیش از کشته شدن هابیل این چنین بود.

شیخ صدوق در کتاب «خصال» از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده است که فرمود: «اگر حضرت قائم ظهور کند، میان درندگان و چارپایان، صلح برقرار می شود، بطوری که یک زن میان عراق و شام راه می رود و پایش را روی هیچ گیاهی نمی گذارد و هیچ درنده ای او را به هیجان نمی آورد و نمی ترساند.»

و در «تأویل الآیات» از شیخ شرف الدین نیز آمده است که: «گوسفند و گرگ و گاو و شیر و مار و انسان از یکدیگر در امان می مانند.»

در کتاب «عقد الدرر» از حضرت علی (ع) روایت شده است که در مورد حضرت مهدی (ع) فرمود: «گوسفند و گرگ در یک مکان زندگی می کنند و کودکان با مارها و عقربها بازی می کنند و آنها بچه ها را اذیت نمی کنند و خلاصه اینکه شرّ می رود و خیر می ماند.»

در «احتجاج» از آن حضرت روایت شده است که: «در آن زمان، درندگان و سایر حیوانات با یکدیگر سازش می کنند و همگی مطیع آن حضرت می شوند.»

چنانکه شیخ صدوق از امام باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: «گویا اصحاب حضرت قائم را می بینم که مغرب و مشرق را احاطه کرده اند و همه چیز فرمانبردار ایشان می شود، حتی حیوانات وحشی زمین و حیوانات وحشی پرنده، و زمین بر خود فخر می کند و می گوید: «امروز بر من یکی از اصحاب قائم (ع) گذشت.»

در خطبه مخزون امیرالمؤمنین (ع) که در «منتخب البصائر» حسن بن سلیمان حلّی روایت شده، آن حضرت در مورد کیفیت روزها و قیام حضرت مهدی (ع) فرموده اند که: «در آن زمان، وحوش رام می شوند بطوری که روی زمین مثل چهارپایان ایشان می چرخند.»

### حاضر بودن جمعی از مردگان در رکاب امام زمان (ع)

حاضر بودن جمعی از مردگان در رکاب امام زمان (ع) بیست و یکم: جمعی از مردگان در رکاب آن حضرت حاضر می شوند، چنانکه شیخ مفید در کتاب «ارشاد» فرموده است که: «بیست و هفت نفر از قوم موسی و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه و مقداد و مالک اشتر، از یاران آن جناب خواهند بود که در شهرهای مختلف حاکم می شوند.»

و نیز در کتاب «ارشاد» از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «وقتی ظهور حضرت مهدی (ع) نزدیک شود در جمادی الاخر و ده روز از رجب، بر مردم باران می بارد، بارانی که مردم مانند آن ندیده اند و خداوند بوسیله آن باران، گوشت مؤمنین را و بدنهایشان را در قبر می پروراند.»

در کتاب «غیبت» شیخ فضل بن شاذان از امام رضا (ع) روایت شده است که فرمود: «در شب بیست و سوم ماه رمضان به اسم حضرت قائم ندا کنند و در روز عاشورا قیام کند.»

و از آن ندا هیچ خفته ای نمی ماند مگر آنکه بیدار شود و برمی خیزد و می ایستد و ایستاده ای نمی ماند مگر آنکه بنشیند و نشسته ای نمی ماند مگر آنکه روی دو پای خود برخیزد.

آن ندا، ندای جبرئیل است و به مؤمن در قبرش خواهند گفت که: صاحب تو ظهور کرد پس اگر می خواهی به او ملحق شو و اگر می خواهی بمانی، در جای خود بمان.»

و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمود: «وقتی حضرت قائم ظهور کرد و وارد کوفه شد، خداوند از پشت کوفه یعنی وادی السلام، هفتاد هزار صدیق را مبعوث می کند که از اصحاب و یاران او می شوند.»

در بحار از بهاء الدین سید علی بن عبدالحمید از حضرت علی (ع) روایت کرده است که: «خداوند اصحاب کهف و سگ ایشان را مبعوث خواهد کرد.»

سید علی بن طاووس از حضرت صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «هر کس خدا را چهل صبح به این عهد (دعای عهد) بخواند، از انصار حضرت قائم خواهد بود، پس اگر پیش از ظهور آن حضرت مُرد، خداوند او را بعد از ظهور از قبرش بیرون می

آورد» و دعا معروف است و اول آن این است: «اللهم ربّ التّور العظيم و ربّ الكرسي الرّفع»  
( - مفاتیح الجنان )

### خارج شدن گنجها و ذخیره های زمین

خارج شدن گنجها و ذخیره های زمین بیست و دوّم: زمین گنجها و ذخایری را که در او پنهان شده بیرون می ریزد.  
در «کمال الدّین» آمده است که: خداوند در شب معراج به پیامبر اکرم (ع) فرمود: «گنجها و ذخایر را به مشیت خود، برای او (یعنی حضرت قائم(ع)) ظاهر می کنم.»  
در کتاب «ارشاد» از شیخ مفید از امام صادق(ع) روایت است که فرمود: «وقتی حضرت قائم ظهور کند، زمین گنجهای خود ظاهر می کند بطوری که مردم گنجها را بر روی زمین می بینند.»  
در غیبت نعمانی از امام باقر(ع) روایت است که فرمود: «وقتی قائم(ع) برخیزد آنها را بطور مساوی تقسیم می کند.» تا اینکه فرمود:  
«و اموال دنیا از شکم زمین و ظاهر او نزد ایشان جمع می شود.»  
در عقدالدّرّ از عبدالله بن عباس است که گفت: «و اما مهدی آن کسی است که زمین را آنگاه که ستم همه جا را فرا گرفته باشد، از عدل و داد پر می کند و چهارپایان از دست درندگان در امان می مانند و زمین پاره های جگر خود را می اندازد.»  
راوی پرسید: «پاره های جگر او چیست؟»  
گفتند: «مانند ستون از طلا و نقره.»  
و نیز از رسول خدا (ع) روایت است که: «زمین گنجهای خود را بیرون می اندازد.»  
و شیخ طوسی در کتاب «امالی» از آن جناب روایت کرده است که فرمود: «در ماجرای حضرت مهدی(ع) زمین برای او پاره های جگر خود را بیرون می اندازد.»  
نزدیک به آن روایت در کتاب «احتجاج» از امیرالمؤمنین(ع) و «کمال الدّین» از رسول خدا (ع) روایت شده که فرمود: «خداوند گنجهای زمین و آنچه در داخل آن است را برای او آشکار می سازد.»  
در کتاب «غیبت» فضل، نیز این مضمون به چند سند معتبر آمده است.

### زیاد شدن باران و درختان میوه و سایر نعمتهای زمین

زیاد شدن باران و درختان میوه و سایر نعمتهای زمین بیست و سوّم: زیاد شدن باران و گیاه و درختان و میوه ها و سایر نعمتهایی که روی زمین است، بطوری که حالت زمین در آن زمان با حالت آن در وقتیهای دیگر تفاوت می کند و قول خداوند تحقّق می یابد که: «یوم تبدّل الارض غیر الارض.»  
( - سوره ابراهیم آیه ۴۸ «یعنی: در آن روز که این زمین به زمین دیگری مبدّل می شود.» )  
نعمانی از کعب روایت کرده است که: «حضرت مهدی(ع) چنین کند و مرادش این است که صورت زمین در عهد حضرت مهدی (ع) به صورت دیگر مبدّل می شود که آن بخاطر زیاد بودن عدل و باران و درختان و گیاهان و سایر برکات دیگر است.»  
در «کشف الغمّه» از حضرت رسول (ع) روایت است که فرمود: «امّت من در زمان حضرت مهدی(ع) به نعمتی متنعم می شوند که هرگز مثل آن را نداشته اند. آسمان بر ایشان باران پی در پی می فرستند و زمین چیزی از گیاهان خود را ذخیره نمی کند.»  
گنجی در کتاب «بیان» گفته است که: «زمین میوه های خود را می دهد و چیزی را بر آنها پنهان نمی کند.»  
و به روایت بغوی: «آسمان از باران خود چیزی کم نمی گذارد و آن را پی در پی می فرستد و زمین گیاهان خود را ظاهر می کند،

تا اینکه برای مردگان آرزو می کنند. یعنی کاش زنده می شدند و این چیزها را می دیدند.

شیخ طبرسی در کتاب «احتجاج» از حضرت علی (ع) روایت کرده است که فرمود: «در زمان او، زمین گیاهان خود را بیرون می آورد و آسمان برکت خود را نازل می کند.»

نزدیک به این روایت در خصال هم آمده است که: «در آن زمان زن از عراق به شام می رود و پای خود را فقط بر روی گیاه می گذارد.»

شیخ مفید در کتاب «اختصاص» از رسول اکرم (ع) روایت کرده است که فرمود: «هنگامی که وقت ظهور حضرت قائم شود منادی از آسمان ندا می کند که: ای مردم! زمان حکومت جباران بر شما پایان یافته و بهترین امت محمد (ع)، ولی امر شما شده است.» تا اینکه فرمود: «پس در آن زمان، مرغان در آشیانه های خود جوجه می گذارند و ماهی ها در دریاها تخم می گذارند و نهرها جاری می شوند و آب چشمه ها بسیار می شود و زمین چند برابر ثمر و رزق خود را می رویاند.»

در «عقدالدرر» از حضرت روایت است که در جریان حضرت مهدی (ع) فرمود: «اهل آسمان و اهل زمین و مرغان و وحشیان و ماهیان در دریا، به او شادمان می شوند و باران در زمان حکومت او زیاد می شود، نهرها جاری می شوند و زمین ثمره خود را دو چندان می کند و گنجهای خود را بیرون می ریزد.»

سید علی بن طاووس در کتاب «سعدالسیعود» از صحیفه ادریس نبی، در ضمن درخواست ابلیس نقل کرده است که: «پروردگارا! به من تا روزی که خلق مبعوث می شوند، مهلت بده.»

و جواب آمد که: «نه! ولی تا روز معلوم، تو از مهلت داده شدگان هستی و آن روزی است که من حکم نمودم و حتم کردم که آن روز، زمین را از کفر و شرک و معاصی پاک کنم و برای آن وقت، بندگان که دلهایشان را به ایمان آزمودم و آنها را پُر نمودم از ورع و اخلاص و یقین و تقوی و خشوع و صدق و حلم و صبر و وقار و پرهیزگاری و زهد در دنیا و رغبت در آنچه در نزد من است، بعد از هدایت و آنها را نگاهبانان آفتاب و ماه می گردانم، یعنی برای عبادت در شب و روز. و آنها را در زمین خلیفه و جانشین خواهم کرد و به آنها بر دینی که آن را برای ایشان پسندیدم، قدرت و توانایی خواهم داد.

آنگاه مرا عبادت می کنند و چیزی را برای من شریک قرار نمی دهند. نماز خود را سر وقت بخوانند و زکات خویش را در زمانش پردازند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و در آن زمان امانت را بر زمین ببندازم.

پس چیزی به چیزی ضرر نرساند و چیزی از چیزی نترسد. آنگاه چهارپایان و جانوران زهردار در میان مردم آیند و همدیگر را اذیت نمی کنند. و نیش را از جانورانی که نیش دارند بردارم و زهر هر حیوان زهردار را ببرم و برکات را از آسمان و زمین نازل کنم و زمین از نیکویی نبات خود بدرخشد و همه ثمره های خود را بیرون دهد و مهربانی و دوستی را در میان آنها ببندازم پس با یکدیگر مواسات کنند و به یک اندازه قسمت کنند.

پس فقرا بی نیاز می شوند و هیچ کس از مردم بر دیگری برتری نکند و بزرگ به کوچک و کوچک به بزرگ احترام بگذارد و به حق، متدین شوند و انصاف دهند و حکم کنند، آنها اولیای من هستند، برای آنها پیامبر و رسول را برگزیدم و برای او، اولیاء و یاورانی قرار دادم.

اینها برترین امتی هستند که من برای نبی برگزیده خود و امین مرتضای خود، انتخاب کردم و این هنگامی است که آن را در علم غیب خود پوشاندم، و چاره ای نیست که آن واقع شود و تو را در آن روز با تمام سواران و پیاده گانت و تمام لشکریانت هلاک می کنم. برو! تو از مهلت داده شدگان هستی تا روز معلوم.»

آثار ذکر شده در این اثر شریف تا کنون ظاهر نشده و مطابق اخبار خاصه و عامه از خصایص حضرت مهدی (ع) است.

سید علی بن عبدالحمید در «انوارالمضیئه» از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «آیه شریفه «فَأَنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ الی یوم»

الوقت معلوم.» که وقت معلوم، همان روز برخاستن و ظهور حضرت قائم است، پس وقتی خداوند او را ( - سوره حجر آیه ۳۷ و ۳۸ - سوره ص آیه ۸۰ و ۸۱ )

مبعوث می کند در مسجد کوفه است و آن روز ابلیس می آید و به زانوهای حضرت می افتد و می گوید: وا ویلاه از این روز؛ و حضرت موی پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند، پس این روز، روز معلوم است.»  
در تفسیر علی بن ابراهیم از آن جناب روایت است که در تفسیر «مدهامتان» فرمود: مابین مکه و مدینه با نخل، پُر ( - سوره رحمن آیه ۶۴ )  
می شود.

و در خطبه امیرالمؤمنین (ع) که در کتاب «منتخب» حسن بن سلیمان حلی ذکر شده است که: «زمین به عدل، نورانی یا خرسند می شود و آسمان، باران خود را می باراند و درخت، ثمره خود را بیرون داده و خود را برای اهل خود زینت می دهد.»

### کامل شدن عقل مردم و به آخرین حدّ خود رسیدن علوم

کامل شدن عقل مردم و به آخرین حدّ خود رسیدن علوم بیست و چهارم: عقل مردم به برکت وجود حضرت قائم (ع)، کامل می شود و ایشان دست بر سر آنها می کشد و کینه و حسد از دل‌هایشان بیرون می رود که از روز گذشته شدن هابیل تا کنون وجود داشته است، و علوم به آخرین حدّ خود می رسد. چنانکه در اصل زراد آمده است که گفت: به امام صادق (ع) گفتم که: «می ترسم از مؤمنین نباشیم.»

حضرت فرمود: «برای چه؟»

گفتم: «چونکه کسی را پیدا نمی کنیم که برادر او در نزد او بهتر و محبوبتر از درهم و دینار باشد و درهم و دینار را از برادری که میان ما و او، دوستی امیرالمؤمنین (ع) باشد محبوبتر می بینیم.»

حضرت فرمود: «شماها مؤمن هستید و لکن ایمان خود را کامل نخواهید کرد، مگر اینکه حضرت قائم (ع) ظهور کند، پس در آن زمان خداوند تبارک و تعالی ، عقلهای شما را کامل می کند.»

در کتاب «خرایج» راوندی و «کمال الدین» صدوق از حضرت باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «هر گاه حضرت قائم (ع) قیام کند، دست خود را بر سر بندگان می گذارد و بخاطر این کار، عقل ایشان را جمع می نماید و خرد آنها را کامل می کند.»

شیخ کلینی از سعید بن حسن روایت کرده است که حضرت باقر (ع) به او فرمود: «آیا احدی از شما هست که به برادر خود رو کرده و دست خود را در جیب برادر خود کند و به مقدار نیاز خود بردارد و برادرش او را از این کار منع نکند؟»

گفتم: «چنین شخصی در میان خود نمی شناسم.»

پس حضرت فرمود: «چیزی در این حال نیست.» یعنی مقام و کمالی برای ایشان نیست.

پرسیدم: «آیا آخر این حال، هلاکت و نابودی است؟»

حضرت فرمود: «نه! بدرستی که هنوز عقلهای این گروه به آنها داده نشده است.»

در کتاب «اختصاص» از شیخ مفید روایت است که کسی به آن حضرت عرض کرد: «اصحاب ما در کوفه، عدّه بسیاری هستند، اگر دستور می دادید هر آینه آنها از شما اطاعت و پیروی می کردند.»

حضرت فرمود: «آیا کسی از آنها هست که نزد برادرش برود تا از کیسه پول او، درخواست خود را بگیرد؟»

گفت: «نه!»

حضرت فرمود: «پس آنها به خون خود بخیل تر هستند.»

آنگاه فرمود: «بدرستی که مردم در آرامی و آسایش می باشند. با آنها ازدواج می کنیم و از همدیگر ارث می بریم و حدّ بر آنها جاری می کنیم و امانت ایشان را ادا می کنیم. چون حضرت قائم(ع) برخیزد آن وقت طوری می شود که شخص بسوی کیسه برادر خود می رود و حاجت خود را می گیرد و کسی او را منع نمی کند.»

صدوق در «کمال الدین» از امیرالمؤمنین (ع) روایت کرده است که فرمود: «از صفات مهدی(ع) آن است که دست خود را بر سر بندگان می گذارد، پس آنگاه مؤمنی نمی ماند مگر آنکه قلبش از آهن سخت تر می شود.»

در «خصال» از آن حضرت روایت است که در ضمن وقایع زمان حضرت مهدی(ع) فرمود: «هر آینه، کینه و دشمنی از دلهای بندگان می رود.»

در «کشف الغمّه» از رسول خدا (ع) روایت شده است که فرمود: «خدای تعالی بی نیازی را در دلهای مردم وارد می سازد.» و ظاهر است که چون آن دو صفت زشت و پلید یعنی کینه و عداوت، از میان مردم و از دلهایشان برود، آنگاه این صفت پسندیده بر دل آنها وارد می شود و مردم آسوده می شوند.

در «کمال الدین» از امام صادق(ع) روایت شده است که به ابان بن تغلب فرمود: «در این مسجد شما (مسجد مکه)، سیصد نفر مرد می آیند که اهل مکه می دانند که پدران و اجداد آنها در آنجا متولّد نشده اند، و همراه ایشان شمشیرهایی است که روی هر شمشیر کلمه ای نوشته شده است و از هر کلمه هزار کلمه باز می شود.»

( - شاید منظور از شمشیرها و کلمات، حکمت‌های الهی است که بر قلب آنها وارد می گردد. )

و به روایت نعمانی: «بر هر شمشیر هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه کلید هزار کلمه است.»

در خطبه مخزون از امیرالمؤمنین (ع) ذکر شده است که: «در آن زمان علم در دلهای مؤمنان جا داده می شود و هیچ مؤمنی محتاج علم برادر خود نمی شود و در آن هنگام تأویل این آیه آشکار می شود که: «... اللَّهُ كَلَّمَ مِنْ سَعْتِهِ...»

( - سوره نساء آیه ۱۳۰ یعنی: خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود بی نیاز می کند. )

### قوّت دیدگان و گوشهای امام زمان (ع) و اصحاب آن حضرت

قوّت دیدگان و گوشهای امام زمان (ع) و اصحاب آن حضرت بیست و پنجم: قدرت غیر معمول در دیدگان و گوشهای امام زمان (ع) و آن حضرت است. چنانچه در کتاب «کافی» و «خرایج» از امام صادق(ع) روایت است که فرمود: «بدرستی که هر گاه قائم ما، حضرت مهدی(ع) ظهور کند، خداوند در گوشها و چشمهای شیعیان ما، قوّت و قدرت می دهد بطوری که میان آنها و حضرت مهدی(ع) به اندازه چهار فرسخ فاصله می شود، پس با ایشان صحبت می کند و آنها می شنوند و بسوی آن جناب نظر می کنند.»

شیخ جلیل، فضل بن شاذان در کتاب «غیبت»، از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمود: «مؤمن در زمان قائم، در حالی که در مشرق است، هر آینه برادر خود را که در مغرب است می بیند و همچنین کسی که در مغرب است برادر خود را که در مشرق است می بیند.»

### طول عمر اصحاب و انصار امام زمان (ع)

طول عمر اصحاب و انصار امام زمان (ع) بیست و ششم: طولانی بودن عمر اصحاب و انصار امام زمان (ع) می باشد. چنانکه شیخ مفید در کتاب «ارشاد» و فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» خود از حضرت صادق(ع) روایت کرده اند که فرمود: «در سلطنت و حکومت امام زمان (ع)، اصحاب و انصار آن حضرت آنقدر عمر می کنند که برای آنها هزار پسر متولّد می شود.»

در تفسیر عتاشی از امیرالمؤمنین (ع) در ضمن بیان حالات سلطنت حضرت مهدی(ع) مرویست که فرمود: «قسم به آنکه دانه ها را

شکافت و جان را آفرید، هر آینه در آن زمان مردم مانند اشراف و پادشاهان زندگی می کنند و با آسایش در ناز و نعمتند و مردی از آنها از دنیا نمی رود تا اینکه از صُلب او هزار پسر متولد شود که آنها از هر بدعت و آفت و جدایی از دین در امان هستند، و عمل کننده به کتاب خداوند و سنت پیامبر خدا (ع) می شوند چرا که آفات و شبهات از آنها نابوده شده است و هرگز به آفتی گرفتار نخواهند شد.

### رفتن سختی ها و بلاها از بدنهای یاران امام زمان (ع)

رفتن سختی ها و بلاها از بدنهای یاران امام زمان (ع) بیست و هفتم: رفتن سختی ها و بلاها از بدنهای یاران حضرت مهدی (ع) است. چنانچه در خبرهای گذشته گفته شد و در کتاب «خرايج» راوندی از حضرت باقر(ع) روایت شده است که فرمود: «هر کسی، حضرت قائم از اهل بیت مرا درک کند از هر آفت و بلایی شفا خواهد یافت و از هر ضعفی قوی خواهد شد.» در کتاب «غیبت نعمانی» از حضرت سجّاد(ع) روایت است که فرمود: «هر گاه حضرت قائم(ع) قیام کند خداوند از هر مؤمنی آفت را می برد و به او قدرت و نیرو می دهد.»

و این کرامت بزرگ مانند شفا دادن حضرت عیسی و سایر انبیا نیست، گاهی به جهت معجزه و تمام کردن حجّت، کور، لال، پیسی یا مریضی را برای انکار کنندگان و منافقان در موارد معدود شفا می دهد، بلکه از بین بردن این آفات و بلاها از تمام مؤمن و مؤمنات، از آثار شادمانه و طلوع نور بزرگ و شریف و رسیدن به آداب دیدار و درک فیض شرف حضور حضرت مهدی (ع) است که چون بهشتیان اول در چشمه حیات و چشمه پاک کننده شست و شو می کنند و تن خود را چون جان از هر عیب و نقصی پاک می کنند که بتوانند در محفل نزدیکان پا گذارند و توان شنیدن کلمه تحیّه: «سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین.» را داشته باشند. پس فرق بین این دو شفا از فرق بین زمین و آسمان بیشتر است.

( - سوره زمر آیه ۷۳ «یعنی: سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید.» )

### دادن نیروی چهل مرد به هر یک از یاران امام زمان (ع)

دادن نیروی چهل مرد به هر یک از یاران امام زمان (ع) بیست و هشتم: به هر یک از یاران امام زمان (ع)، به اندازه چهل مرد نیرو داده می شود. همانطور که در کتاب «کافی» از عبدالملک بن اعین آمده است که گفت: در نزد ابی جعفر(ع) بلند شدم. بر دستم تکیه کردم و گریه کردم و گفتم: «آرزو دارم که ظهور حضرت مهدی (ع) و سلطنت او را ببینم و درک کنم و در من نیرویی باشد.»

حضرت فرمود: «آیا خشنود نمی شوید که دشمنان شما همدیگر را بکشند و شما در خانه های خود آسوده باشید؟ اگر امر چنان شد یعنی گشایش بزرگ پدید آمد، به هر مردی از شما، نیرو و قدرت چهل مرد داده می شود و دلهای شما مانند پاره های آهن می گردد بطوری که می توانید با آن قدرت، کوه را از جا بکنید و شما قوام (و خزاین) زمین هستید.»

صدوق در کتاب «کمال الدین» از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود:

«حضرت لوط به قوم خود نگفت: «لوانّ لی بکم قوّة او آوی الی رکن شدید» مگر با مقایسه و آرزوی قوّت و نیروی ( - سوره هود

آیه ۸۰ «یعنی: ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود.» )

حضرت قائم(ع)، و ذکر نکرد مگر قدرت اصحاب او را که به هر کدامشان قدرت چهل مرد داده می شود.»

و این مضمون را از حضرت سجّاد (ع) در کتاب «خصال» و شیخ مفید در کتاب «اختصاص» و ابن قولویه در کتاب «کامل الزیارة» و فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» از امام صادق (ع) و همینطور عیاشی در تفسیر خود روایت کرده اند.

در کتاب «کمال الدین» از امیرالمؤمنین (ع) روایت است که فرمود: «آن جناب دست خود را روی سر عبادت کنندگان می گذارد، پس هیچ مؤمنی نماند که دلش سخت تر از پاره آهن نباشد و خداوند به او قدرت چهل مرد را می دهد.»

در کتاب «بصائر الدرجات» صفار از امام باقر (ع) روایت است که فرمود: «وقتی امر ما واقع شود و مهدی ما بیاید، هر مردی از شیعیان ما، جری تر از شیر و گذارنده تر از نیزه می شود، و دشمن ما را با پای خود پایمال می کند و او را با دست خود می زند و این کار در هنگام نزول رحمت خدا و فرج او بر بندگان است.»

### غنی شدن خلق به نور حضرت مهدی (ع)

غنی شدن خلق به نور حضرت مهدی (ع) بیست و نهم: مردم با نور حضرت مهدی (ع) از نور آفتاب و ماه بی نیاز می شوند. چنانکه علی بن ابراهیم از حضرت صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «و اشرفت الارض بنور ربها» روایت کرده است که: «مرئی زمین حضرت مهدی (ع) است.»

(- سوره زمر آیه ۶۹ «یعنی: زمین به نور پروردگارش روشن می شود.»)

راوی عرض کرد: «پس وقتی حضرت ظهور کند چه خواهد شد؟»

حضرت فرمود: «مردم از روشنایی خورشید و نور ماه بی نیاز می شوند و به نور امام (ع) اکتفا می کنند.»

شیخ مفید در کتاب «ارشاد» و شیخ طوسی در کتاب «غیبت» از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «هر گاه قائم ما قیام کند، زمین به نور خداوند روشن می شود، تاریکی می رود و مردم نیز از نور آفتاب بی نیاز می شوند.»

صدوق این مضمون را در کتاب «کمال الدین»، از امام رضا (ع) روایت کرده است که فرمود: «سایه ای برای حضرت مهدی (ع) نیست.»

شیخ خزّاز در «کفایة الأثر» روایت کرده است که: «او پیش از ظهور، صاحب غیبت است، پس وقتی که قیام کرد زمین از نور او روشن می شود.»

به قرینه خبر اول معلوم می شود که مراد، نور ظاهری است و الا ممکن است گفته شود که مراد، نور معبودی است که نور علم و حکمت و عدل باشد.»

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» خود به سند صحیح از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «هر گاه قائم ما برخاست و قیام کرد، زمین به نور او روشن می شود و بندگان از نور آفتاب و ماه بی نیاز می شوند و تاریکی از بین می رود و مرد، در ملک آن حضرت آنقدر عمر می کند تا آنکه هزار پسر برای او متولد می شود که هیچ دختری در میان آنها نیست و زمین گنجهای خود را ظاهر می کند تا اینکه مردم آنها را می بینند و هر فردی از شما دنبال کسی می گردد تا هدایا و خمس و زکوة و صدقات و فطره را به او بدهد امّا کسی را پیدا نمی کند چون همه احساس بی نیازی می کنند چرا که خداوند همه را از فضل خود بی نیاز کرده است.»

### همراه بودن پرچم رسول خدا (ع) با امام زمان (ع)

همراه بودن پرچم رسول خدا (ع) با امام زمان (ع) سی ام: پرچم رسول خدا (ع) همراه حضرت مهدی (ع) است که این پرچم جز در بدر و روز جمل، هیچ روزی باز نشده است. شیخ نعمانی از حضرت صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «پرچم رسول خدا (ع) را روز بدر، جبرئیل نازل نمود و به خدا آن نه از پنبه و نه از کتان و نه از ابریشم و نه از حریر بود.»

راوی عرض کرد: «پس از چه بود؟»



حضرت فرمود: «از برگ بهشت بود که رسول خدا (ع) آن را در روز بدر باز کرد و بعد آن را پیچید و به دست علی بن ابیطالب داد، پس پیوسته نزد حضرت علی (ع) بود تا اینکه روز بصره فرا رسید و حضرت علی (ع) آنرا باز کرد و خداوند به او فتح و پیروزی عطا کرد، آنگاه آنرا پیچید و آن پرچم در نزد ماست و آن را هیچ احدی باز نمی کند تا اینکه حضرت قائم (ع) ظهور کند، پس هر گاه آن حضرت ظهور کرد، آن پرچم را باز می کند.»

در آن هنگام هر کس که در مشرق و مغرب است آن را ملاقات می کند و (دشمنان) با فاصله زیادی از پیش روی آن فرار می کنند.»

و نیز از حضرت باقر(ع) روایت است که به ابوحمزه فرمود: «ای ثابت! گویا قائم اهل بیت خود را می بینم که بر این نجف مشرف شده است.» (و با دست خود به کوفه اشاره فرمود).

و فرمود: «وقتی بر نجف شما مشرف شد، پرچم رسول خدا (ع) را باز می کند و وقتی که باز کرد، ملائکه بدر بر او فرود می آیند.» گفت: «پرچم رسول خدا(ع) چیست؟»

حضرت فرمود: «چوبش از عمود عرش خداوند و رحمت اوست و بقیه آن از نصر خداوند است. آن را بطرف چیزی دراز نمی کند مگر آنکه آن را تباه کند و از بین ببرد.»

و به روایت صدوق در «کمال الدین» آمده است که: «وقتی آن را باز کند، سیزده هزار و سیزده ملک بر قائم فرود می آیند که همه آنها منتظر آن حضرت بودند.»

نعمانی در کتاب «غیبت» از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمود: «وقتی میان اهل بصره و حضرت علی(ع) تلاقی شد، آن حضرت پرچم رسول خدا (ع) را باز کرد، پس قدمهای ایشان لرزید و آفتاب زرد نشده بود که گفتند: ای پسر ابوطالب! به ما امان بده.»

و فرمود: «وقتی روز جنگ صفین شد از حضرت علی (ع) خواهش کردند که آن پرچم را باز کند، حضرت این کار را نکرد، پس آنگاه حضرت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و عمار بن یاسر را شفیع خود قرار دادند.»

پس حضرت علی (ع) به امام حسن(ع) فرمودند: «ای فرزند من! زمانی است که باید این قوم آن زمان را پشت سر بگذارند و بدرستی که این پرچم را بعد از من هیچ کس باز نمی کند مگر حضرت قائم(ع).»

### زره رسول خدا (ع) فقط اندازه قد شریف

زره رسول خدا (ع) فقط اندازه قد شریف سی و یکم: زره رسول خدا(ع) فقط بر قامت حضرت مهدی (ع) راست می آید. چنانکه در کتاب «بصائر الدراجات» از امام صادق (ع) روایت است که بعد از ذکر چیزهایی از قبیل سلاح و موارث انبیاء که در نزد ایشان است، فرمود: «بدرستی که قائم ما کسی است که وقتی زره رسول خدا (ع) را بپوشد آن را پر کند و به اندازه باشد یعنی کوچک یا بزرگ نباشد و همانا ابوجعفر (ع) آن را پوشید پس بزرگتر از قامتش بود.»

راوی عرض کرد: «شما چاق تر هستید یا ابوجعفر؟»

حضرت فرمود: «ابوجعفر از من چاقتر بود، زیرا وقتی من آن را پوشیدم اندکی برای من بزرگ بود.»

و نیز آنجا راوندی در کتاب «خراج» از ابی بصیر روایت کرده که به حضرت صادق(ع) عرض کردم: «فدای تو شوم! من می خواهم دستم را به سینه تو بمالم.»

حضرت فرمود: «این کار را بکن.»

پس دستم را به سینه و کتفهای مبارکش مالیدم. پس فرمود: «ای ابومحمد! چرا این کار را کردی؟»

عرض کردم: «فدای تو شوم! از پدرت شنیدم که می فرمود: بدرستی که حضرت قائم (ع) سینه اش پهن است و دو کتفش فرو هشته و میان آنها فراخ است.»

حضرت فرمود: «ای ابومحمّد! پدرم زره رسول خدا(ع) را پوشید ولی آن بر زمین کشیده می شد، بعد من پوشیدم و برای من مناسبتر بود (ولی اندازه نبود) و این زره بر تن حضرت قائم (ع) همان گونه ای خواهد بود که بر تن رسول خدا (ع) بود. دامن آن از زمین بلند است به نحوی که گویا جلوی آن را با دو حلقه بلند کرده اند.»

در روایت راوندی آمده است که: «و آن زره برای صاحب امر مشمر است.» یعنی دامان او بالا رفته است، همانطور که بر تن رسول خدا (ع) اینگونه بود.

و بر این مضمون اخبار متعددی وجود دارد و علامه مجلسی در جلد هفتم بحار فرموده است که: «از روایات استنباط می شود که در نزد ائمه دو زره بوده است: یکی از آنها علامت امامت بود که به اندازه ایشان بود و دیگری علامت حضرت قائم (ع) بود که به اندازه آنها نبود و فقط بر بدن حضرت مهدی (ع) اندازه می گردد.»

### ابر مخصوص حضرت قائم (ع) که در آن رعد و برق است

ابر مخصوص حضرت قائم (ع) که در آن رعد و برق است سی و دوّم: ابری مخصوص است که خداوند متعال، آن را برای حضرت قائم (ع) ذخیره کرده است که در آن رعد و برق می باشد. چنانکه صفّار در کتاب «بصائر» و شیخ مفید در کتاب «اختصاص» به سندهای متعدّد از حضرت باقر(ع) روایت کرده اند که فرمودند: «آگاه باشید که ذوالقرنین را در میان دو ابر مخیر کردند. پس او ابر آرام را انتخاب کرد و ابر صعب و سخت را برای صاحب شما ذخیره نمود.»

راوی پرسید: «صعب کدام است؟»

حضرت فرمود: «آن ابری که در آن رعد و برق و صاعقه است. آگاه باشید که صاحب شما بر آن سوار می شود، پس آن ابر، او را در راههای هفت آسمان و هفت زمین که پنج عدد آن آباد، و دوتای آن خراب است می برد.»

و نیز از امام صادق(ع) روایت کرده اند که فرمود: «خداوند ذوالقرنین را میان دو ابر آرام و سخت مخیر کرد، پس او ابر آرام را انتخاب کرد و آن ابری است که در آن رعد و برقی نیست و اگر سخت را انتخاب می کرد این ابر برای او نبود زیرا خداوند این ابر را برای حضرت قائم (ع) ذخیره کرده است.»

### برداشته شدن تقیه و ترس از کفار و مشرکان و منافقان

برداشته شدن تقیه و ترس از کفار و مشرکان و منافقان سی و سوّم: در زمان ظهور امام زمان (ع) تقیه و ترس از کفار و مشرکان و منافقان برداشته می شود و بندگی ( - تقیه یعنی نگهداری خود از ضرری که نفع غالبی در مقابل نداشته باشد. ) خداوند متعال و سلوک در امور دنیا طبق فرمانهای الهی برای آنها میسر و آسان می گردد و بدون اینکه از ترس مخالفان، نیاز به دست برداشتن پاره ای از آنها باشد. چنانکه خداوند متعال در قرآن وعده فرموده که: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصّالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبدلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون.»

( - سوره نور آیه ۵۵ )

(یعنی: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را در روی زمین خلیفه خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید، و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و

ریشه دار خواهد ساخت، و ترسشان را به امتیت و آرامش مبدل می کند، آنچنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقانند.)

و بر هیچ بانصافی پوشیده نیست که وعده خلافتی که خداوند تعالی داده است برای کسانی است که در دنیا بعد از پیامبر خود دارای مرتبه ای از ایمان و درجات عمل صالح هستند که در زمان خلافتش بتواند تمام دینی که خدا برایش پسندیده برپا کند، و او از هر خوفی که از جانب خلق به او رسیده ایمن می شود و ایشان خدا را بی تقیه پرستش می کنند. شیخ طبرسی در کتاب «مجمع البیان» فرمود: «روایت از اهل بیت (ع) این است که این آیه در حق حضرت مهدی (ع) است.»

عیاشی روایت کرده است که حضرت سجاد (ع) این آیه را تلاوت کرد، آنگاه فرمود: «به خدا قسم ایشان شیعیان ما اهل بیت هستند. این کار یعنی این سه احسان بزرگ به دست مردی از ما، بر ایشان انجام می شود و او مهدی این امت است.»

صدوق در کتاب «کمال الدین» از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «ایام غیبت او دراز می شود تا اینکه حق خالص شود و هر کس از شیعیان که طینت او خبیث باشد و بیم نفاق در وی برود، از ایمان او کدورت رفع می شود چرا که استخلاف و تمکین و اموری که در زمان خلافت حضرت مهدی (ع) بوجود می آید را می بیند.»

راوی عرض کرد: «کسانی هستند که گمان می کنند این آیه در حق ابابکر و عمر و عثمان و علی (ع) نازل شده است.» حضرت فرمود: «خداوند دل‌های ایشان را هدایت نکن! کجا متمکن شد آن دینی که خداوند و رسولش آن را به انتشار امر آن در امت و رفتن خوف از دل‌های ایشان و از بین رفتن شک از سینه های آنها، پسندید؟! و در عهد کدام یک از آنها این امر محقق شد؟! در عهد آنها و حضرت علی (ع) که مسلمانان، مرتد شدند و فتنه هایی برپا شد و جنگ‌هایی میان ایشان و کفار در گرفت.»

و نیز از امام رضا (ع) روایت کرده که فرمود: «دینی نیست برای آن کسی تقوایی ندارد و آن کسی که تقیه نمی کند ایمان ندارد! بدرستی که گرامی ترین شما نزد خداوند آن کسی است که پیش از خروج قائم ما، بیشتر به تقیه عمل کند پس کسی که عمل به تقیه را پیش از خروج قائم ما ترک کند از ما نیست.»

### منتشر شدن سلطنت حضرت مهدی (ع) در تمام روی زمین

منتشر شدن سلطنت حضرت مهدی (ع) در تمام روی زمین سی و چهارم: سلطنت حضرت مهدی (ع) تمام زمین از مشرق تا مغرب، خشکی و دریا، آبادی و ویرانه و کوه و دشت فرو می گیرد. جایی نمی ماند که حکمش جاری نشود و امرش نافذ نشود. و روایات متواتر زیادی در این زمینه وجود دارد.

شیخ صدوق در کتاب «علل و عیون» و «کمال الدین» در روایتی طولانی از رسول خدا (ع) روایت کرده است که فرمود: «در شب معراج به ساق عرش نگاه کردم، پس دوازده نور دیدم، در هر نور خط سبزی بود که بر آن اسم جانشینی از جانشینان من بود اول آنها علی بن ابیطالب و آخر آنها مهدی امت من است.»

گفتم: «ای پروردگار من! اینها جانشینان من هستند؟»  
پس خطاب رسید: «ای محمد! اینها اولیاء و برگزیدگان و حجت‌های من بعد از تو بر خلق هستند و ایشان اوصیای تو و خلفای تو و بهترین خلق من بعد از تو هستند.»

به عزت و جلال خود قسم که حتماً دین خود را بوسیله ایشان ظاهر می کنم و کلمه خود را بلند می گردانم و با آخرین ایشان، زمین خود را از دشمنان خود پاک می کنم و او را مالک مشرقها و مغربهای زمین می گردانم.

و هرآینه برای او بادهای مسخر می کنم و ابرهای سخت را برای او هموار گردانم و او را در راههای آسمان بالا می برم و او را با لشکر خودم یاری می نمایم و با ملائکه های خود به او قدرت و نیرو می دهم تا دعوت من بالا گیرد و مردم بر توحید من جمع

شوند، آنگاه سلطنت او را دوام می بخشم و روزگار پادشاهی را تا روز قیامت، میان اولیای خود به نوبت قرار می دهم.» در کتاب «کمال الدین» از آن حضرت روایت است که بعد از ذکر سلطنت ذوالقرنین فرمود: «خدای تعالی بزودی سنت او را در سلطنت حضرت قائم (ع) که از فرزندان من است، جاری می سازد و او را حاکم مشرق و مغرب زمین می گرداند تا اینکه دشت و کوهی که ذوالقرنین در آن قدم گذاشته باقی نمی ماند مگر آنکه حضرت مهدی (ع) در آنجا قدم گذارد.»

و نیز حضرت باقر (ع) فرمود: «گویا اصحاب حضرت قائم (ع) را می بینم که مابین مشرق و مغرب را احاطه نموده اند.» و در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) روایت شده است که در تفسیر آیه شریفه «و له اسلم من فی السّماوات و الارض طوعاً و کرهاً و الیه یرجعون.» فرمود: «هر گاه حضرت قائم ما خروج کند، زمینی نمی ماند مگر آنکه در آن شهادت «لا اله الا الله و ( - سوره آل عمران آیه ۸۳ یعنی: تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر او تسلیم هستند و همه بسوی او باز گردانده می شوند.»

انّ محمّداً رسول الله» را در آن ندا کنند.»

و نیز از حضرت کاظم (ع) در تفسیر آیه یاد شده روایت شده که فرمود: «آن آیه در حق حضرت قائم (ع) نازل شده است، زیرا که او یهود و نصاری و ستاره پرستان و زنادقه و کفار را از مغرب و مشرق زمین بیرون می آورد. پس اسلام را بر آنها عرضه می کند و هر کس با میل و رغبت اسلام آورد او را به نماز و زکات و آنچه مسلمان را به آن امر می کند امر می فرماید؛ و به دستور خداوند بر او واجب است که هر کس اسلام نیاورد گردنش را بزند تا اینکه در مشرقها و مغربهای زمین کسی نماند مگر اینکه موحد و یکتاپرست باشد.»

راوی گفت: «فدای تو شوم! مردم بیشتر از اینها هستند.»

فرمود: «خداوند وقتی امری را اراده فرماید، زیاد را کم و کم را زیاد می کند.»

یوسف بن یحیی السلمی در باب نهم از کتاب «عقد الدرر» روایات بسیاری در کیفیت و چگونگی گشایشها و فتوحات حضرت و گرفتن قسطنطنیه و روم و بنی الاصف و چین و کابل و جزایر و غیر آنها را بیان کرده که اینجا جای ذکر آنها نیست

## پرشدن تمام زمین از عدل و داد

پرشدن تمام زمین از عدل و داد سی و پنجم: تمام روی زمین از عدل و داد پر می شود چنانکه در کمتر خبری، الهی یا نبوی، خاص یا عام، یافت می شود که ذکر از حضرت مهدی (ع) شده باشد ولی این بشارت برای آن حضرت نیامده باشد.

در کتاب «عیون» از امام رضا (ع) روایت است که فرمود: «وقتی آن حضرت قیام کند، زمین از نور پرورددگار روشن می شود و میزان عدل، میان مردم گذاشته می شود، آنگاه هیچ کس به کسی ظلم نخواهد کرد.»

در کتاب «کمال الدین» از امام صادق (ع) روایت است که در تفسیر این آیه شریفه «سیروا فیها لیالی و ایاماً آمین» ( - سوره سباء آیه ۱۸ یعنی: شبها و روزها در این آبادیها با ایمنی (کامل) سفر کنید.)

فرمود: «مراد ما، قائم اهل بیت است یعنی در زمان آن حضرت هر کس در شب یا روز، هر کجا که رود، ایمن و محفوظ است.»

در تفسیر عیاشی از امام باقر (ع) روایت است که فرمود: «به خدا قسم که آن حضرت و اصحابش جنگ می کنند تا اینکه خلق خدا به یگانگی خدا اقرار کنند و چیزی را برای او شریک قرار ندهند، تا جایی که پیرزن ضعیفی از مشرق، اراده رفتن به مغرب را می کند و احدی او را نمی ترساند.»

شیخ مفید در کتاب «ارشاد» از حضرت صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «هر گاه حضرت قائم (ع) قیام کند به عدل حکم می کند و در زمان او جور و ستم از بین می رود و بوسیله او راهها ایمن می شود و زمین برکات خود را بیرون می آورد و هر حقی

به صاحب آن حق برمی گردد و هیچ اهل دینی باقی نمی کند مگر آنکه اظهار اسلام کند و به ایمان اعتراف نماید.»  
در کتاب «کمال الدین» آمده است که ریان بن الصلت به امام رضا(ع) عرض کرد: «آیا شما صاحب این امر هستید؟»  
حضرت فرمود: «من صاحب این امر هستم ولی آن کسی نیستم که زمین را از عدل و داد پر می کند، چنانکه از ظلم و ستم پر شده است.»

### حکم کردن در میان مردم بوسیله علم امامت

حکم کردن در میان مردم بوسیله علم امامت سی و ششم: امام زمان (ع) در میان مردم بوسیله علم امامت خود حکم می کند و از هیچکس دلیل و شاهی نمی خواهد.

صفار در کتاب «بصائر الدرجات» از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «هرگز دنیا به آخر نخواهد رسید مگر اینکه مردی از ما اهل بیت ظهور کند که به حکم داوود و آل داوود حکم نماید و از مردم دلیل و مدرکی نخواهد.»

در روایت دیگر فرمود: «به هر کسی، حکم او را عطا خواهد کرد.»

و نیز از آن حضرت روایت است که فرمود: «هر گاه قائم آل محمد (ع) قیام کند، به حکم داوود و سلیمان حکم می کند و از مردم شاهی نمی خواهد.»

سید فضل الله راوندی در کتاب «دعوات» روایت کرده است که شخصی از امام حسن عسکری (ع) پرسید: «وقتی حضرت قائم (ع) قیام کرد به چه چیز حکم می کند؟»

حضرت فرمود: «هر گاه او ظهور کرد مثل حکم داوود، با علم خود در میان مردم حکم می کند و از مردم دلیل نمی خواهد.»

در «خرایج» راوندی از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «گویا مرغ سفیدی را بالای حجرالاسود می بینم و در زیر آن مردی است که به حکم داوود و سلیمان حکم می کند و هیچ دلیل و مدرکی نمی خواهد.»

شیخ مفید در کتاب «ارشاد» و فضل در کتاب «غیبت» از امام صادق (ع) روایت کرده اند که فرمود: «هر گاه قائم آل محمد برخاست، میان مردم به حکم داوود، حکم می کند و برای حکم کردن محتاج دلیل نمی شود!

خدای بزرگ به او الهام می کند، پس آن حضرت به علم خود حکم می کند و به هر قومی به آنچه که در دل خود مخفی کرده اند، خبر می دهد.»

در تفسیر عیاشی روایت است که: «روز ظهور آن حضرت، جبرئیل بصورت یک مرغ سفیدی در بالای خانه خدا است.»

نعمانی در کتاب «غیبت» از امام صادق (ع) روایت کرده است که فرمود: «منادی آن حضرت ندا می دهد که این مهدی مانند داوود و سلیمان حکم می کند و از مردم دلیل نمی خواهد.»

صدوق در کتاب «کمال الدین» از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «خداوند بادی را برمی انگیزد که به هر وادی ندا می کند که: این مهدی به حکم داوود و سلیمان حکم می کند و بر حکم خود دلیل نمی خواهد.»

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» از حضرت باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: «حضرت قائم، سیصد سال سلطنت می کند و زیاد می کند نه سال را همانطور که اصحاب کهف در غار خود ماندند.»

زمین را از عدل و داد پر می کند، چنانکه از ظلم و ستم پر شده و خداوند برای او شرق و غرب آن را فتح می کند.

آنقدر از مردم می کشد تا اینکه فقط دین محمد (ع) باقی می ماند و به سیر و سلوک سلیمان و داوود حکم می کند و آفتاب و ماه را می خواند پس او را اجابت می کند و زمین برای او پیچیده می شود و به او وحی می شود پس به امر خدای تعالی به وحی عمل

می کند.»

## آوردن احکام ویژه ای که تا زمان حضرت قائم (ع) ظاهر و اجراء نشده است

آوردن احکام ویژه ای که تا زمان حضرت قائم (ع) ظاهر و اجراء نشده است سی و هفتم: آوردن احکام ویژه ای که تا زمان حضرت قائم (ع) ظاهر و اجراء نشده است. چنانکه در کتاب «کافی» و «کمال الدین» از حضرت صادق (ع) روایت شده است که فرمود: «دو خون است که از جانب خدای تعالی حلال است و احدی در آن حکم نمی کند تا اینکه قائم ما اهل البیت ظهور کند.

هر گاه خداوند متعال، قائم ما اهل بیت را برانگیخت، به حکم خداوند در آن حکم می کند و دلیل بر آن نمی خواهد. زناکاری که همسر دارد را سنگسار می کند و گردن کسی که زکات نمی دهد را می زند.»

در کتاب «خصال» از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) روایت است که فرمود: «هر گاه قائم ما ظهور کرد، به سه حکم، حکم می کند که احدی قبل از او به آنها حکم نکرده است، پیر زناکار را می کشد، مانع زکات را می کشد و به برادر از برادرش در عالم ذر ارث می دهد، یعنی هر دو نفر که در آنجا میانشان عقد اخوت و برادری بسته شد در این جا از یکدیگر ارث می برند.»

نعمانی در کتاب «غیبت» از حضرت علی (ع) روایت کرده است که می فرمود: «بر من واجب بود که کسی که در جنگ پشت کرده است و فرار می کند را بکشم یعنی آنان که در روز جنگ مردند، و خسته مجروح را نیز بکشم ولی این کار را بخاطر عاقبت یاران خود نکردم که اگر یارانم توسط دشمنان مجروح شدند آنها را نکشند ولی بر حضرت قائم واجب است که هم پشت کننده و هم مجروح را بکشد.»

فضل بن شاذان از حضرت باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: «حضرت قائم (ع) به احکامی حکم می کند که بعضی از اصحابش که در پیش رویش شمشیر می زنند آن را انکار می کنند و آن حکم، حکم آدم (ع) است. پس آنها را نزد خود می خواند و دستور می دهد که گردن آنها را بزنند.

سپس دوباره حکمی می کند، پس گروهی دیگر که در پیش روی ایشان شمشیر زده اند آن را انکار می کنند و این، قضای داوود است، پس آنها را نزد خود می خواند و گردن آنها را می زند.

برای بار سوم حکمی می فرماید که باز گروهی دیگر که در پیش روی حضرت شمشیر می زدند آن حکم را انکار می کنند که دوباره حضرت آنها را نزد خود می خواند و امر می فرماید که گردن آنها را بزنند.

آنگاه برای بار چهارم حکمی می فرماید و آن حکم حضرت محمد (ع) است و احدی آن را انکار نمی کند.»

در جمله ای از روایات آمده است که: «آن حضرت، جزیه قبول نمی کند و صلیب را می شکند و خوگ را می کشد.»

( - جزیه، پولی است که اهل کتاب می پردازند تا تحت سیطره حکومت اسلامی زندگی کنند. )

شیخ طبرسی در کتاب «اعلام الوری» روایت کرده است که: «آن حضرت، مرد بیست ساله ای که علم دین و احکام مسایل خود را نیاموخته باشد را می کشد.»

در کتاب «مزار» محمد بن مشهدی روایت است که ابوبصیر از حضرت صادق (ع)، درباره حکم کسانی که با حضرت دشمنی و مخالفت کردند، پرسید، امام صادق (ع) فرمود: «ای ابومحمد! در دولت ما برای کسی که با ما مخالفت کرد، بهره و جایگاهی نیست. بدرستی که خداوند متعال خونهای آنها را هنگام خروج قائم (ع) حلال کرده و امروز این کار بر ما و شما حلال است. پس مواظب باش که کسی تو را مغرور نکند. هر گاه قائم ما قیام کند، انتقام پیامبرش و انتقام همه ما را خواهد گرفت.»

## پیدا شدن تمام مراتب علوم

پیدا شدن تمام مراتب علوم سی و هشتم: تمام علوم در زمان حضرت قائم (ع) بیرون می آید. چنانکه قطب راوندی در «خرایج» از

امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمود: «علم، بیست و هفت حرف است. تمام علومی که پیامبران آورده اند دو حرف بود و مردم تا امروز بیش از این دو حرف را نشناختند.

پس زمانی که قائم ما(ع) خروج می کند بیست و پنج حرف را بیرون می آورد. سپس تمام بیست و هفت حرف علم را در میان مردم منتشر می کند.»

شیخ صفا در «بصائر» از آن جناب روایت کرده است که فرمود: «در انتهای شمشیر رسول خدا(ع) صحیفه کوچکی بود که حضرت علی(ع)، پسرش امام حسن(ع) را خواست و آن صحیفه را به او داد و فرمود: «آن را باز کن.»

امام حسن(ع) نتوانست آن را باز کند، پس آن را برای او باز کرد و فرمود: «بخوان.»

پس امام حسن(ع) حرفی را بعد از حرفی خواند: «الف، با، سین، لام و ...»

سپس حضرت علی(ع) آن را بست و به پسرش امام حسین(ع) داد، پس او هم نتوانست آن را باز کند. حضرت علی(ع) آن را برای او باز کرد و فرمود: «بخوان.»

پس امام حسین(ع) نیز مانند برادرش، آن را به همان صورت خواند.»

سپس حضرت علی(ع) آن صحیفه را بست و به پسرش محمد بن حنفیه داد، او هم نتوانست آن را باز کند. پس آن را برای او باز کرد و فرمود: «بخوان.»

ولی او نتوانست چیزی از آن را بخواند.

سپس حضرت علی(ع) آن را گرفت و بست و بر شمشیر رسول خدا(ع) آویزان کرد.»

راوی پرسید: «در آن صحیفه چه بود؟»

حضرت فرمود: «در آن حروفی بود که از هر حرفی از آن هزار درب باز می شود. تا کنون فقط دو حرف از آن بیرون آمده است.»

به سند دیگری از ابوبصیر روایت است که از آن حضرت پرسیده شد: «در انتهای شمشیر رسول خدا(ع) چه بود؟»

پس به همان صورت که در روایت قبل گفته شد، بیان فرمود و ظاهراً بقیه حروف این صحیفه نبویه از ویژگیهای دولت مهدویه باشد

## آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب امام زمان (ع)

آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب امام زمان (ع) سی و نهم: برای یاران و اصحاب امام زمان (ع) شمشیرهایی از آسمان آورده می شود. چنانکه نعمانی در کتاب «غیبت» از امام صادق(ع) روایت کرده است که فرمود: «هر گاه حضرت قائم (ع) خروج کند شمشیرهای جنگ، فرود می آید که بر هر شمشیری اسم مرد و اسم پدر او نوشته شده است

## اطاعت حیوانات از یاران حضرت قائم (ع)

اطاعت حیوانات از یاران حضرت قائم (ع)

چهلیم: در آن زمان حیوانات از یاران امام زمان (ع) اطاعت می کنند. چنانکه قبلاً به نقل از امیرالمؤمنین (ع) بیان شد

## جاری شدن نهری از آب و نهری از شیر از پشت شهر کوفه

جاری شدن نهری از آب و نهری از شیر از پشت شهر کوفه چهل و یکم: دو نهر آب و شیر از پشت شهر کوفه که محل سلطنت آن حضرت است از سنگ حضرت موسی(ع) که با ایشان است جاری می شود.

در کتاب «خرایج» از حضرت باقر (ع) روایت است که فرمود: «وقتی حضرت قائم (ع) خروج کند و قصد رفتن به کوفه را بنماید، منادی آن حضرت ندا می کند که: کسی، آب و غذا با خود حمل نکند. و سنگ موسی را با خود حمل کنند، همان سنگی که از آن دوازده چشمه آب جاری شده بود. پس در هر منزلی که فرود می آیند آن را نصب می کنند و آن چشمه ها از آن جاری می شود. پس هر کس گرسنه باشد سیر می شود و هر کس تشنه باشد سیراب می شود و آن سنگ توشه آن ها می باشد تا اینکه وارد نجف (پشت کوفه) می شوند. وقتی پشت کوفه فرود آمدند پیوسته آب و شیر از آن جاری می شود. پس هر کسی که گرسنه باشد سیر می شود و هر کسی که تشنه باشد سیراب می گردد»

### امتیاز دادن خداوند متعال به حضرت قائم (ع) در شب معراج

امتیاز دادن خداوند متعال به حضرت قائم (ع) در شب معراج چهل و دوم: خداوند در شب معراج پیامبر (ع)، بعد از نشان دادن اشباح نورانی امامان معصوم (ع) از امیرالمؤمنین (ع) تا حجت عصر (ع)، امتیازی برای آن امام زمان (ع) قائل شد به اینکه فرمود: «این قائم (ع)، حلال مرا حلال می کند و حرام مرا حرام می کند و ای محمد! او از دشمنان من انتقام می کشد. او را دوست بدار و دوستدار کسی باش که او را دوست می دارد.»

### فرود آمدن حضرت عیسی از آسمان برای یاری امام زمان (ع)

فرود آمدن حضرت عیسی از آسمان برای یاری امام زمان (ع) چهل و سوم: حضرت روح الله، عیسی بن مریم (ع) برای یاری حضرت مهدی (ع) از آسمان فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می خواند. حسن بن سلیمان حلّی در کتاب «مختصر» آورده است که خدای تعالی در شب معراج به رسول خود فرمود: «من این لطف را به تو نموده ام که بیرون می آورم از صلب علی، یازده فرزند را که همه از ذریّه تو و فاطمه باشند، که حضرت عیسی در پشت سر آخرین آنها یعنی حضرت مهدی نماز می گذارد و او زمین را پر از عدل می کند و به واسطه او، گمراه را هدایت می کنم، کور را عافیت و سلامتی، و مریض را شفا می دهم.»

در کتاب «کمال الدین» از رسول خدا (ع) روایت است که فرمود: «قسم به آن که مرا به پیامبری فرستاد که اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خدا طولانی می کند آن روز را تا اینکه فرزندم مهدی قیام کند و حضرت عیسی فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند.»

شیخ طبرسی در کتاب «اعلام الوری» از امام حسن مجتبی (ع) روایت کرده است که فرمود: «نیست از ما احدی مگر آنکه در گردن او بیعت طغیان کننده زمان او باشد الا قائمی که پشت سر او حضرت عیسی نماز می خواند.»

شیخ طوسی در کتاب «غیبت» از آن حضرت روایت کرده است که به حضرت فاطمه (س) فرمود: «ای فرزند من! به ما اهل بیت، هفت چیز داده شد که به احدی پیش از ما داده نشد:

۱ - پیغمبر ما بهترین پیغمبران است و آن پدر تو است.

۲ - وصی ما بهترین اوصیاء است و آن شوهر تو است.

۳ - شهید ما بهترین شهداست و آن حمزه، عموی پدر تو است.

۴ - کسی که دو بال سبز دارد و در بهشت پرواز می کند، از ما است.



( - ظاهراً اشاره به جعفر بن ابی طالب ۸ است. )

۵ و ۶ - دو سبط این امت یعنی حسن و حسین از ما هستند.

۷ - قسم به خداوندی که خدایی جز او نیست، مهدی این امت از ما است، همان کسی که حضرت عیسی پشت سر او نماز می خواند.

آنگاه دست مبارکش را بر کتف امام حسین (ع) گذاشت و سه مرتبه فرمود: «از این است.» یعنی از نسل امام حسین (ع) است.

در «کافی» روایت شده است که: روزی رسول اکرم (ع) مسرور و شادمان از خانه بیرون رفت. پس سبب آن را جویا شدند.

حضرت فرمود: «هیچ روز و شبی نیست مگر اینکه تحفه ای از جانب خدا برای من می رسد. آگاه باشید که خداوند امروز به من تحفه ای داده که هرگز به گذشتگان نداده است.

جبرئیل نزد من آمد و طرف پروردگارم سلام رساند و گفت: ای محمد! حضرت قائم از شماست و هر گاه خدای او را آشکار کند، حضرت عیسی پشت سر او نماز می خواند.»

در کتاب «کمال الدین» از امام باقر (ع) روایت است که سیرت اوصیاء پیامبر (ع) را می فرمود و چون به آخرین آنها رسید فرمود: «دوازدهم کسی است که عیسی بن مریم در پشت سر او نماز می خواند.»

گنجی شافعی از حضرت رسول اکرم (ع) روایت کرده است که در احوال حضرت مهدی (ع) فرمود: «آن حضرت با اصحاب خود مشغول نماز صبح است که حضرت عیسی (ع) فرود می آید.

پس حضرت بگونه ای برمی گردد تا حضرت عیسی، پیشوا شود، پس حضرت عیسی، دو دست خود را بر کتف حضرت مهدی می گذارد و می گوید: شما مقدم شوید.»

همچنین روایت است که فرمود: «شما چگونه هستید در وقتی که پسر مریم فرود آید و امام شما از خودتان باشد؟»

در کتاب «عقدالدرر» از آن حضرت روایت است که فرمود: «پس حضرت مهدی آگاه می شود که حضرت عیسی نازل شده است و گویا از مویش آب می چکد. مهدی به او می گوید: مقدم شو و برای مردم نماز بخوان.

اما عیسی می گوید: این نماز مخصوص شما برپا شده است؛ پس حضرت عیسی در پشت فرزند من (حضرت مهدی (ع)) نماز می خواند و وقتی نماز تمام شد حضرت عیسی با او بیعت می کند.

همچنین «سدی» از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: «حضرت مهدی و عیسی در هنگام نماز جمع می شوند، پس حضرت به عیسی می فرماید: پیش رو. اما عیسی می گوید: تو به نماز خواندن سزاوارتر هستی.

پس حضرت عیسی نماز را به حضرت مهدی اقتدا می کند.»

### جایز نبودن هفت تکبیر بر جنازه احدی بعد از حضرت علی (ع) جز بر جنازه حضرت قائم (ع)

جایز نبودن هفت تکبیر بر جنازه احدی بعد از حضرت علی (ع) جز بر جنازه حضرت قائم (ع) چهل و چهارم: بعد از حضرت علی (ع) هفت تکبیر بر جنازه احدی جایز نیست مگر حضرت قائم (ع). چنانکه در «بحار» در حدیث وفات آن حضرت روایت کرده

است که حضرت در ضمن وصیتهای خود به امام حسن (ع) بعد از امر به کفن و حنوط و بردن تا جای قبر شریف، فرمود: «ای ابامحمد! بر دیگران مقدم شو و بر من نماز بخوان و هفت تکبیر بر من بگو، و بدانکه این عمل برای احدی غیر از من حلال نیست

مگر بر مردی که در آخرالزمان بیرون می آید، اسم او قائم مهدی (ع) و از فرزندان برادر تو حسین است و او کجی های حق را راست می کند.»

## قتل دجال ملعون که از عذابهای الهی است

قتل دجال ملعون که از عذابهای الهی است چهل و پنجم: قتل دجال ملعون که از عذابهای الهی برای اهل قبله است. چنانکه در تفسیر علی بن ابراهیم از امام باقر(ع) روایت شده است که: عذاب در آیه شریفه «قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعاً و یذیق بعضکم بأس بعض.» به دجال اشاره دارد، و فرمودند: «هیچ پیغمبری نیامد مگر آنکه مردم را از فتنه دجال ( - سوره انعام آیه ۶۵ «یعنی: بگو، او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا بصورت دسته های پراکنده، شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند.» ) ترساند.»

چنانکه در کتاب «کمال الدین» از رسول خدا (ع) روایت است که فرمود: «چگونه فتنه ای در کار نباشد در حالی که او با آن شکل و قیافه و استعداد در سال قحطی بیرون می آید و همه آفاق جز مکه و مدینه را سیر می کند.»  
حسن بن سلیمان حلّی در کتاب «مختصر بصائر» از امیرالمؤمنین(ع) روایت کرده است که فرمود: «هر کس می خواهد با پیروان دجال بجنگد پس با کسانی بجنگد که بر خون فلان و بر خون اهل نهروان گریه می کنند و بدرستی که کسی که اعتقاد ( - ظاهراً اشاره به عثمان است. )

داشته باشد که فلان مظلوم کشته شد وقتی خدا را ملاقات می کند خداوند بر او غضبناک خواهد بود و او دجال را درک می کند.»  
شخصی پرسید: «ای امیرالمؤمنین! اگر پیش از آن بمیرد چه؟»  
حضرت فرمود: «خداوند او را از قبرش، مبعوث می کند.»

در کتاب «کمال الدین» آمده است که آن ملعون در عقبه افیق شام، به دست آن حضرت کشته می شود.  
و نیز از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: «خداوند تبارک و تعالی ، چهارده هزار سال پیش از آنکه خلق را بیافریند، چهارده نور را آفرید.»

شخصی پرسید: «ای فرزند رسول خدا! آن چهارده تن چه کسانی هستند؟»  
حضرت فرمود: «محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین که آخرین آنها قائم (ع) است که بعد از غیبتش برمی خیزد و دجال را می کشد و زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می کند.»

## پایان یافتن سلطنت ستمگران و ظالمان

پایان یافتن سلطنت ستمگران و ظالمان چهل و ششم: به جهت وجود حضرت قائم (ع)، سلطنت ستمگران و ظالمان در همه دنیا از پایان پذیرفته و از بین می رود، زیرا دولت آن حضرت بنا بر عقیده بعضی از علما به قیامت متصل می شود و به عقیده بعضی دیگر به بازگشت سایر ائمه (ع) منتهی می گردد.

بعضی نیز معتقدند که به دولت فرزندان آن حضرت متصل می شود، چنانکه شیخ مفید در کتاب «ارشاد» فرمود: «بعد از دولت قائم (ع)، دولت دیگری نیست مگر آنچه که در روایات درباره سلطنت فرزندان آن حضرت آمده که البته به طور قطعی و حتمی نرسیده است.»

بیشتر روایات این است که: «مهدی نمی رود مگر چهل روز قبل از قیامت»

( - ظاهراً این روایت اشاره به رجعت دوباره حضرت مهدی (ع) دارد. )

حضرت صادق (ع) مکرّر این بیت را می خواند:

لکل اناس دوله یرغبونها

و دولتنا فی آخر الدھر تظھر

(- «یعنی: برای هر گروهی از مردم، دولتی است که به آن رغبت می کنند و حکومت ما در بعد از زمانی از روزگار، ظاهر خواهد شد.»)

و در «غیبت» نعمانی از امام باقر (ع) روایت شده است که فرمود: «دولت و حکومت ما آخرین دولت است و خاندانی نمی ماند مگر اینکه برای آنها دولتی است که پیش از ما سلطنت کنند تا اینکه هر گاه که راه و روش و سلوک ما را ببینند نگویند که اگر ما سلطنت می کردیم مثل سلوک این جماعت سلوک می کردیم، و این سخن خدای عزوجل است: «والعاقبه للمتقین.»

(- سوره اعراف آیه ۱۲۸ «یعنی: سرانجام نیک برای پرهیزگاران است.»)

فضل بن شاذان در کتاب «غیبت» همین خبر را به سند صحیح از حضرت صادق (ع) روایت کرده است. آنچه بیان کردیم نمونه ای از ویژگی ها و تشریفات الهیه حضرت مهدی (ع) بود که اندکی از مقامهای عالی آن حضرت (ع) و بزرگی سلطنت آن حضرت ظاهر می شود که کسی ندیده و نشنیده و نخواهد دید.

شیخ نعمانی در کتاب «غیبت» روایت کرده است که شخصی از امام صادق (ع) پرسید: «آیا قائم متولد شده است؟»

حضرت فرمود: «نه! اگر من او را درک کنم هر آینه در طول روزهای زندگانی خود به او خدمت می کنم.»

و ایشان بعد از نماز ظهر برای حضرت قائم (ع) دعا می کردند. پس راوی عرض کرد: «برای خود دعا کردی؟»

حضرت فرمود: «برای نور آل محمد (ع) و سبقت گیرنده از آنها و انتقام گیرنده از دشمنان آنها دعا می کردم.»

و نیز حضرت کاظم (ع) مکرر در مقام شمایل و حالات حضرت مهدی (ع) می فرمود: «پدرم فدای آن کسی که چنین است.»

در «کامل الزیارات» از حضرت صادق (ع) روایت شده است که در ضمن اتفاقاتی هنگام خروج آن حضرت، فرمود: «هیچ مرده مؤمنی نمی ماند مگر آنکه سرور و شادی این ظهور در قبرش داخل می شود و این مسئله هنگامی است که در قبرهایشان به زیارت یکدیگر می روند و یکدیگر را به خروج قائم (ع) بشارت می دهند.»

صدوق با همین مضمون در کتاب «کمال الدین» از حضرت علی (ع) روایت کرده است که فرمود: «شادی و سرور بر قلب هر مؤمنی وارد می شود.»

شیخ نعمانی از حضرت باقر (ع) روایت کرده است که فرمود: «موسی بن عمران در سفر (بخش) اول از تورات نظر کرد و آنچه از قدرت و سلطنت و فضیلت که به حضرت قائم (ع) داده می شود را خواند.

موسی گفت: «پروردگارا! مرا قائم آل محمد بگردان.»

به او گفتند: «این قائم از فرزندان احمد است.»

سپس در سفر دوم نگاه کرد و آن را نیز همینگونه یافت. سپس در سفر سوم نگاه کرد و باز مانند همان را دید. پس بار دیگر همان سخن را گفت و همان جواب را شنید.»

در کتاب «رأی معین» روایت شده است که حضرت رسول اکرم (ع) فرمود: «فرزندم حسین، غریب و تنها و تشنه، در بیابان کشته خواهد شد! کسی که او را یاری کند بدرستی که مرا و فرزندش قائم منتظر (ع) را یاری نموده است.»

در «بشارة المصطفی» از عمادالدین طبری و «تحف العقول» و بعضی نسخه های «نهج البلاغه» از امیرالمؤمنین (ع) روایت است که به کمیل فرمود:

«ای کمیل! هیچ علمی نیست مگر آنکه من آن را باز می کنم و هیچ چیزی نیست مگر آنکه قائم (ع) آن را به پایان می رساند.»

همه انبیا و اوصیاء که برای پاکسازی قلبها و زیبا کردن آنها به نور ایمان و پاک کردن آنها از کثافات و عقاید پلید و اخلاق رذیله

مبعوث شدند، بخاطر موانع زیاد، نتوانستند تمام اسباب را ظاهر کرده و رموز و اسرار را بیان کنند و همیشه مردم را بشارت می دادند و آنان را به حضرت مهدی (ع) و زمان سلطنت آن حضرت ارجاع می دادند.

پس هیچ چیز باقی نمی ماند مگر آنکه حضرت مهدی (ع) آن را بیان فرموده و به خلق می رساند و ایشان را بسوی خداوند می کشاند. چنانکه خدا در آیه وعده استخلاف و جانشینی فرموده که: «دیگر ترسی برای جانشین ما باقی نمی ماند که بخاطر احدی، حق را بپوشاند و مخفی کند.»

شیخ جلیل، علی بن محمد بن علی خزاز در کتاب «کفایة الأثر» از رسول خدا (ع) روایت کرده است که به حضرت علی (ع) فرمود: «یا علی تو از من و من از تو هستم. تو برادر و وزیر من هستی. وقتی که من بمیرم، کینه ها در دل های هر قومی ظاهر شود و پس از من زود فتنه ای برپا می شود و هر بیگانه و نزدیکی در این فتنه داخل می شود و از شیعه مفقود می شود پنجمین از هفتمین فرزندان من (یعنی حضرت قائم (ع)) که اهل زمین و آسمان برای فقدان او محزون می شوند و بسیاری از زنان و مردان مؤمن در هنگام نبودن او حیران می گردند.»

آنگاه آن حضرت سر مبارک خود را کمی به زیر انداخت و بعد بالا آورد و فرمود: «پدر و مادرم فدای آن کسی باد که همانم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است و بر او لباسهایی از نور یا لباسهایی که از شکاف آنها نور بیرون می زند و انوار آن مانند لؤلؤ است می باشد.»

شیخ طبرسی در «احتجاج» و ابن طاووس در «کشف الیقین» روایت کردند خطبه بلیغه طولانی رسول خدا ۹۱ را که در حجّة الوداع در غدیر خم، در آن محضر عظیم خواندند و از جمله فقرات آن خطبه این است که: «ای مردم! آگاه باشید که من هشدار دهنده هستم و علی هدایت کننده است.»

ای مردم! همانا من پیامبرم و علی جانشین من است.

آگاه باشید که آخرین امام از ما است و او قائم مهدی می باشد که درود خدا بر او باد.

آگاه باشید که او آشکار کننده دین است.

آگاه باشید که او فتح کننده دژها و درهم کوبنده آنهاست.

آگاه باشید که او هلاک کننده هر قبیله ای از مشرکین است.

آگاه باشید که او مدرکی است برای تمام خونبهای اولیای خداوند عزوجل.

آگاه باشید که او یاری کننده دین خداست.

آگاه باشید که او بردارنده از دریای عمیق است.»

در روایت سید مجازی اینگونه آمده است: «هر صاحب فضلی به فضلش و هر صاحب جهلی به جهلش می باشد.»

آگاه باشید که او همان کسی است که خداوند او را انتخاب و اختیار کرده است.

آگاه باشید که او ارث برنده هر علمی است که به تمام آن علم ها احاطه دارد.

آگاه باشید که اوست که از پروردگار عزوجلش خبر می دهد و به مسئله ایمان او هشدار می دهد.

آگاه باشید که او رشید و استوار است.

آگاه باشید که او همان کسی است که تمام کارهایش را به خدا می سپارد.

آگاه باشید که او همان کسی است که به آنچه پیش رو دارد و انجام می دهد بشارت داده شده است.

آگاه باشید که او باقیمانده حجّت و دلیل است و هیچ حجّت و دلیلی بعد از او نیست و هیچ حقی نیست مگر با او، و هیچ نوری وجود ندارد مگر در نزد او.

آگاه باشید که هیچ غلبه کننده ای بر او نیست و هیچ یاری کننده ای بر علیه او نیست.  
 آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمینش است و حکم او در میان آفریدگانش، و امین او در آشکارا و پنهانی اوست.  
 پایان

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشرف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

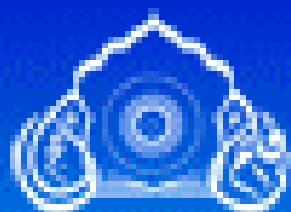
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

